

گزارش اعتصاب کارگران کارخانه پشمباف تهران



شهریه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور

دوشنبه ۱۷ تیر ۱۳۶۴ برابر ۸ ژوئیه ۱۹۸۵
بها ۴۰ ریال سال دوم شماره ۶۴

خلق کرد از پانمی افتد

رژیم خمینی از بدو استقرار خویش تهاجم به کردستان را آغاز کرد. اکنون ۶ سال آزار است که کردستان قهرمان شاهد ددمنشی‌های نیروهای سرکوبگر سببی و مقاومت دلاورانه فرزندان پیشمرگ خود در برابر جنایات آنان است.

در مدت این ۶ سال تقریباً روزی نبوده است که فتنه‌های مزدوران خمینی به سوی زحمتکشان کرد لیک نکنند، روستایی را به آتش نکنند، و به این سوز و آسوی کردستان قشون کشی نکنند. در این مدت مزدوران خمینی با کردستان آنگونه رفتار کرده‌اند که قوای فاشیستها با کشورهای تحت اشغال. محاصره اقتصادی، محاصره نظامی، یورش با ستونهای عظیم نظامی، استفاده از توپخانه سنگین و حتی توسل به اکت و فانتوم! همه اینها در کنار جوخه‌های اعدام و ادامه بسیار شدید ستم ملی و فرهنگی تمهیدات و سببانی بوده‌اند برای به زانو درآوردن خلق باخاسته کرد. دامنه اثر همه این تشبثات محدود بوده و هیچ یک نتوانسته است کمر جنبش را خم کند و اراده استوار خلق کرد خلی وارد سازد.

در رابطه با ششمین سالگرد تهاجم رژیم به کردستان، کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) پیامی خطاب به خلق کرد، انتشار داده است. پیام این چنین آغاز می‌شود: "خلق مبارز کرد!

با فرارسیدن تیرماه، شش سال از یورش وحشیانه و خونین جمهوری اسلامی به کردستان بهرمان میگذرد. جمهوری اسلامی و حکام تبهکار آن تا امروز جز مرگ و ویرانی، هیچ چیز دیگری برای شما نداشته‌اند. سیاهکاری‌ها و جنایات وحشتناکی که

بقیه در صفحه ۲

علاوه بر این کارگران به آلودگی محیط، سوء مدیریت و... معترض هستند. آنها خواستار بهبود شرایط کاری می‌باشند. کارفرما برخوردار از پشتیبانی وزارت کار و امور اجتماعی در همه این مدت نه تنها به تقاضای برحق کارگران وقتی نهناده است. علاوه بر آن از پرداختن سهمیه خود از بابت حق بیمه کارگران، به سازمان تأمین اجتماعی نیز سرباز زده است. در چنین وضعیتی استفاده کارگران از امکانات ناچیز بیمه به دشواری صورت می‌گرفته است.

کارگران در سال گذشته بدفعات به وزارت کار مراجعه کردند و ضمن تشریح وضعیت خود و عملکرد کارفرما خواستار رسیدگی گردیدند. روش وزارت کار در برخورد با این شکایات آن بود که با دفع الوقت کارگران را خسته نماید. کارگران چندین بار کارفرما را مجبور به مذاکره پیرامون مطالبات خود ساختند، اما از این مذاکرات نیز ثمری حاصل نشد.

در پایان سال گذشته و در آستانه سال نو کارفرما یکبار دیگر از پرداخت به موقع حقوق کارگران سرباز

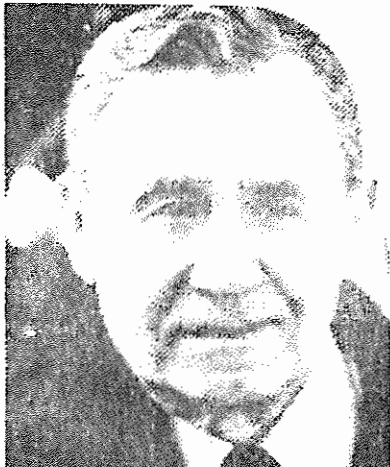
بقیه در صفحه ۸

کارگران کارخانه پشمباف تهران در جهت دستیابی به مطالبات خویش اعتصابی را آغاز کردند. که چندین هفته به درازا کشید. اعتصاب در روزهای نخست اردیبهشت ماه بخاطر دریافت دستمزدها و حقوق معوقه آغاز گردید و به یک حرکت پر خروش کارگری تبدیل گردید. نه دسایس کارفرما، نه تشبثات وزارت کار و نه تهدیدهای پاسداران هیچ یک نتوانست کارگران را از مبارزه بازدارد.

کارخانه پشمباف تهران که تولید کننده پتومی- باشد متعلق به بخش خصوصی است که سهامدار عمده آن شخصی بنام فروتن است. کارگران در شرایط اسفباری در محیطی کاملاً آلوده کار می‌کنند. آنها نه فقط از امکانات رفاهی و حقوق صنفی خود بی بهره‌اند بلکه حتی دریافت دستمزد مقرر شده ماهانه‌شان نیز در گرو مبارزه‌ای دائمی بوده است. تاخیر پرداخت دستمزد ماهانه در این کارخانه از سوی کارفرما، به سنتی تبدیل شده است و سالهاست که ادامه دارد. در همه این مدت کارگران نیز مبارزه ممتدی را در راستای درم شکستن این روش کارفرما دنبال کرده‌اند.

آندره گرومیکو

صدر هیات رئیسه شورای عالی اتحاد شوروی



خورده است.

میخائیل گورباچف در سخنانی که به مناسبت گزینش تازه ایراد کرد از فعالیت‌های رفیق گرومیکو در مقام وزارت امور خارجه قدردانی به عمل آورد. او گرومیکو را "یک سیاستمدار نامی" خواند که نقش مهمی در تدوین و تحقق سیاست داخلی و خارجی شوروی ایفا کرده است.

بقیه در صفحه ۱

هفته گذشته اجلاس شورایی عالی اتحاد شوروی- پارلمان این کشور- برگزار گردید. در این اجلاس تصمیمات مهمی در رابطه با ترکیب کادر رهبری دولت شوروی اتخاذ شد. از مهمترین این تصمیمات گزینش آندره گرومیکو سیاستمدار نامدار شوروی به سمت صدر هیئت رئیسه شورایی عالی اتحاد شوروی بود. پیشنهاد مسئولیت تازه آندره گرومیکو توسط میخائیل گورباچف، دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی به اجلاس شورایی عالی ارائه گردید و با اتفاق آرا* به تصویب رسید. بدین ترتیب رفیق گرومیکو عضو دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست، معاون نخست وزیر و وزیر خارجه دولت شوروی مسئولیت خطیر ریاست کشور شوراهارا عهده دار گردید.

آندره گرومیکو که بیکارجوی خستگی ناپذیر راه صلح و سوسیالیسم می‌باشد ۲۸ سال در مقام وزارت امور خارجه دولت اتحاد شوروی ایفای مسئولیت نمود. او با فاصله زیادی پر سابقه‌ترین و با تجربه‌ترین وزیر خارجه جهان بود. نام آندره گرومیکو با مبارزه برای حفظ صلح در جهان، با پییکار علیه تشنج فزاینده و برای همزیستی مسالمت آمیز پیوند

صدور گاز از طریق ترکیه، ادامه همان سیاست سوزاندن گاز است

بدنبال بحران شدید انرژی در سالهای ۱۹۷۲ و ۱۹۷۹، محافل امپریالیستی، به مطالعات و تحقیقات گسترده‌ای پیرامون وضعیت انرژی در آینده و همچنین طرق جلوگیری از بروز مجدد بحرانهای آتی، اقدام نمودند. در مطالعات و تحقیقات مراکز مهم اقتصادی، و از جمله "موسسه بین المللی کاربرد سیستم‌ها" پیش بینی شده است که گاز در آینده نزدیک به ماده اصلی انرژی برای اروپا بدل خواهد شد. هم اکنون در موسسه فوق الذکر، پروژه‌ای بنام "GATE-1" در دستور کار و تحقیق قرار دارد که هدف آن یافتن منابع گاز ارزان و سهل‌الوصول برای اروپای غربی در سالهای

۲۰۲۰-۱۹۹۰ است. در این بررسی، چهار مرکز عمده تأمین کننده گاز طبیعی مشخص شده‌اند که به ترتیب عبارتند از: اتحاد شوروی، خاور میانه، هلند و دریای شمال، و آفریقای شمالی. در بین این مراکز، گاز هلند و دریای شمال هم اکنون بهره برداری میشود و مطابق پیش بینی کارشناسان ذخایر این میدان از سال ۱۹۹۰ به بعد، نقش چندانی ایفا نخواهد کرد. اتحاد شوروی حاضر است تحت شرایط عادلانه صدور گاز به کشورهای اروپای غربی را گسترش دهد، اما انحصارات امپریالیستی به منابع گاز طبیعی خاور میانه و آفریقای شمالی نظر دوخته‌اند. در این زمینه علاوه بر

بقیه در صفحه ۲

در این شماره:

- * وثیقه بیروزی بر ضد انقلاب
مقاله‌ای از محمود بریالی، عضو دفتر سیاسی حزب دموکراتیک خلق افغانستان
در صفحه ۶
- * عضو هیات سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست سوریه در گفتگوی «اکثریت»
- "تفاق افکنی در راس توطئه‌های امپریالیسم و ارتجاع در منطقه قرار دارد"
- در صفحه آخر
- * اعتصاب غذای پناهندگان ایرانی در هلند
در صفحه ۲

خلق کرد از پانمی افتد

بقیه از صفحہ ۱

لمی این مدت به فرمان خمینی بر شما مردم محروم زجر کشیده کردستان روا شده، بی سابقه بوده است. آنان در این مدت با هجوم نظامی به سرزمین کردستان، هزاران نفر از مردم کردستان را به شهادت رسانده و دهها هزار نفر از هم میهنان دیگر ما را کشته اند. آنها دامنشانه همه حقوق ملی و مردمی خلق کرد را لگدمال می کنند. ستیز با خلق کرد و سرکوب خونین هر ندای حق طلبانه، اساس سیاست رژیم جمهوری اسلامی در رابطه با مساله کردستان است.

رژیم جنک افروز خمینی، با ادامه جنک خانمان برانداز ایران و عراق، مصائب بی شماری را به مردم میهن ما تحمیل کرده است. ادامه تبهکارانه جنک و خونریزی توسط حکام جمهوری اسلامی و نمایان رژیم ددمنش صدام در بمبارانهای بی دریبی شهرهای بی دفاع و مردم محروم کردستان، جانهای عزیزان بیستاری را لغم خویش ساخته و خانه و کاشانه شما را نابود کرده است.

رژیم جمهوری اسلامی، بنا به مامیت ارتجاعی و استبدادی خویش با هر گونه آزادی و آزاد اندیشی، کینه توزانه دشمنی می کند. دشمنی رژیم با خواستهای به حق و عادلانه خلق کرد و سرکوب مبارزه شما در راه خودمختاری کردستان و تامین حقوق

ملی از ماهیت آن نشات می گیرد. " در این پیام به رژیم دشوار خلق کرد در سال گذشته اشاره شده است و در این مورد آمده است:

" سال پیش یکی از دشوارترین سالهای مبارزه و مقاومت مسلحانه و عادلانه مردم کردستان علیه رژیم ارتجاعی و ضد مردمی جمهوری اسلامی بود. رژیم خمینی در یورش جنایتکارانه علیه کردستان، که همچنان ادامه دارد، از توسل به سیاست ارتجاعی کوچک اجباری روستانشینان تا بمباران و کتلوه باران شهرها روستاها، از کشتار زنان و کودکان بی گناه تا ویران سازی مناطق مسکونی، آتش زدن مزارع روستاها و حتی زدن بند با چنگه یوشان حاکم بر ترکیه سود بسته است."

سرکوب خلق کرد جدا از خیانتها و آزادی کشی های رژیم در سرتاسر ایران نبوده است. بیپوده نیست که مقابله مهم یورش به کردستان با مقاطع مهم یورش به نیروهای انقلابی و دستاوردهای انقلاب در سرتاسر کشور منطبق است. اعلامیه کمیته مرکزی سازمان در این مورد خطاب به خلق کرد تاکید می کند:

" تشدید سرکوب خشن و جنایتکارانه خلق کرد و نیروهای ملی و مترقی کردستان، بیپایه و بیجانه از سرکوب، حشانه جنیش اغراضی و مطالباتی

کارگران، دهقانان و همه زحمتکشان و نیروهای ملی و دموکراتیک کشور جدا نیست. رژیم استبدادی و ارتجاعی جمهوری اسلامی نه تنها دشمن شما مردم زحمتکش و رنج دیده کرد و همه احزاب و سازمانهای ترقیخواه و دموکراتیک کردستان است، بلکه دشمن خلقهای سراسر کشور، دشمن کارگران، دهقانان و همه زحمتکشان ایران و کلیه نیروهای ملی و دموکراتیک میهن بلا کشیده است. به این دلیل برای تحقق خود مختاری کردستان و برای تحقق همه آرزوهای آزادیخواهان، استقلال طلبانه و عدالت خواهانه شما و دیگر خلقهای ایران، پیوند هر چه بیشتر جنبش ملی خلق کرد، با جنبش انقلابی سراسری، ضرورت بنیادی دارد."

در طی این ۶ سالی که کردستان عرصه تاخت و تازها و جنایتگریهای جمهوری اسلامی بوده است، هر از چندگاهی رژیم مدعی شده که دیکتر دفتر جنبش را بسته و در کردستان آرامش دلخواه خود را برقرار کرده است. تکرار این ادعاها همواره بهترین دلیل بروغ بودن آنهاستند. تداوم این دروغ باقی ما فقط می تواند بر یک حقیقت دلالت داشته باشند و آن این است که خلق کرد از پانمی افتد.

اما نباید از نظر دور داشت که رژیم اکنون از سرکوبگریها و جنایتکاریهای خود در کردستان و سایر نقاط ایران تجربیاتی اندوخته و محیلانه تر و دقیق تر از گذشته عمل می کند. در اعلامیه کمیته مرکزی به

حیلهها و توطئه های تازه رژیم به صورت زیر اشاره شده است:

" سازمان ما نسبت به تلاشها و توطئه های تفرقه افکنانه در صفوف نیروهای ملی و دموکراتیک در کل کشور و در کردستان هشدار می دهد و همه نیروهای ملی و مترقی خلق کرد را به اتحاد رزمجویانه فرا می خواند و این تاکید حزب دموکرات کردستان ایران را در همین راستا می داند که: ضروریست که اختلافات درجه دو کنار گذاشته شود و سعی به عمل آید که بر سر یک برنامه مشترک به منظور ستونی رژیم خمینی و بر سر کار آمدن یک رژیم دموکراتیک توافق شود."

رژیمهای ارتجاعی ایران و عراق برای تقویت مواضعشان در جنگ، به مانورها و تاکتیکهایی چه در رابطه با نیروهای ملی و ترقیخواه خلق کرد در کشور خود و چه در رابطه با نیروهای ملی و ترقیخواه خلق کرد در کشور دیگر، دست زده و می زنند. هدف هر یک از این تلاشها، بهره گیری از جنبش خلق کرد علیه طرف متخاصم، همچنین تفرقه افکنی در صفوف مبارزین کرد و منحرف ساختن ست اصلی مبارزه آنهاست."

اعلامیه در پایان تاکید می کند که جنبش حق طلبانه خلق کرد، از یا نیفتاده و در هم شکسته نخواهد شد. نه شاه و نه خمینی و نه هیچ مرتجع دیگری نتوانسته است و نمی تواند بر اراده خلق کرد برای دستیابی به خودمختاری کردستان و آزادی ایران، غلبه نماید ●

جان هموطنان ما را در ترکیه فاشیست که خود دلال مناسبات جمهوری اسلامی با غرب است تهدید می کرد. باید هر چه سریعتر چاره ای اندیشید."

"... اکثریت قریب باتفاق بچه هایی که در پلاتفرم جمع شده اند به اعتصاب غذا رای می دهند. اولین اطلاعیه آکسیون با طرح خواسته هایی مبنی بر بازگرداندن اخراج شدگان، تضمین پناهندگی آن دسته از هموطنان که احتمالاً هنوز در فرودگاه هستند. درخواست ملاقات حضوری با وزیر دادگستری... صادر می شود."

"... یازده روز از اعتصاب غذای ما می گذرد. تا آنجا که در توان داشته ایم صدای اعتراض خود را به اطلاع افکار عمومی رسانده ایم. موفق شده ایم تضمینهایی از سازمان ملل در مورد تامین امنیت دوستانمان در ترکیه بگیریم. وزارت دادگستری را مجبور کرده ایم که به پارلمان توضیح دهد. احزاب، انجمنها و عناصر آزاده و دمکرات را به حمایت از خود جلب نموده ایم" ●

پنهنده اگر چشم نیروهای مترقی و افکار عمومی را دور ببینند از خودت دادن وی بیپایه وجه ابا ندارند.

مدتی پیش تعدادی از ایرانیانی را که به کشور هلند وارد شده بودند به ترکیه بازگرداندند. با توجه به سوابق "برادر ناتوبی" جمهوری اسلامی در تحویل مهاجرین سیاسی به رژیم خمینی که همگان از آن اطلاع دارند، این اقدام دولت هلند نمی تواند معنایی جز پذیرفتن خطر مرگ این افراد باشد. این اقدام اعتراضات گسترده ایرانیان محقق هلند را بر انگیخت. در این زمینه بخشهایی از یک گزارش درج شده در نشریه پرستو، نشریه انجمن پناهندگان ایرانی در هلند را در مورد اعتصاب غذای یازده روزه در اعتراض به این اقدام دولت هلند بازگویی کنیم:

"... روز ۲۲ آوریل خبر شدیم که ۱۷ پناهنده ایرانی از فرودگاه شیفلد اخراج شده اند و بیست تن دیگر در آستانه اخراج قرار دارند. خبر به سرعت بین ایرانیها پخش شد. خطر

اعتصاب غذای پناهندگان ایرانی در هلند

می شود که به دلایل اقتصادی و برای برخورداری از رفاه و امکانات زیستی اقدام به مهاجرت نموده اند. پناهندگان دائما در معرض تحقیر و توهین قرار دارند. از سوی محافل راست حکومتی تلاش می شود که خارجیان و پناهندگان را مسئول بحران عمیق اقتصادی و بیکاری گسترده دامتگیر کشورهای غربی قلمداد کنند. در بسیاری از این کشورها مدتها متقاضی پناهندگی را به محدوده خاصی تبعید می نمایند و مدتهای مدید بلاتکلیف نگه میدارند. در رابطه با فراهم نمودن شرایط زیستی ناگوار برای پناهندگان گفته دست اندرکاران این امر در آلمان فدرال نمونه وار است. آنها این اقدامات غیر انسانی خود را "کامش جاذبه پناهندگی" نام نهاده اند. در این زمینه بخاطر افتادن جان پناهندگان نیز برای آنان اهمیت چندانی ندارد. در بدو ورود فرد

در شماره پیش نشریه اکثریت به انعکاس وضعیت و اعتراضات گروهی از پناهندگان در آلمان فدرال و همچنین دانمارک پرداختیم. اینک در دنباله کوششهایمان جهت انعکاس وضعیت مهاجرین سیاسی ایرانی به نحوه برخورد پلیس و وزارت دادگستری هلند با گروهی از ایرانیان متقاضی پناهندگی از این کشور، می پردازیم.

پناهندگان سیاسی کشورهای گوناگون بطور کلی، منجمله مهاجرین سیاسی ایرانی که بر اثر فشار و خفقان حاکم بر کشورمان و ددمنشی های رژیم خمینی خانه و کاشانه خویش را رها کرده و اقدام به ترک میهن نموده اند. اکثر کشورهای غربی، با تفاوتهایی، وضعیت مشابهی دارند. جدا از تفاوتهایی که ناشی از میزان قدرت راستهای افراطی در دولتهای این کشورهاست، در اکثر این کشورها با پناهندگان بمقابله افرادی برخورد

صدور گاز از طریق ترکیه، ادامه همان سیاست سوزاندن گاز است

دلایل سیاسی، منابع اقتصادی این انحصارات نیز عمل می‌کند که در جستجوی سود سرشار ناشی از غارت ذخایر گاز این کشورها هستند. بدین ترتیب محافظ امپریالیستی تامین انرژی مورد نیاز صنایع اروپای غربی در دهه‌های آینده را در گرو غارت منابع گاز خاورمیانه و آفریقای شمالی می‌داند.

ایران دارای منابع سرشاری از گاز طبیعی است و با حدود ۱۲/۸ تریلیون متر مکعب گاز، پس از اتحاد شوروی، غنی‌ترین کشور دنیا در این زمینه محسوب می‌شود. ذخایر گاز ایران حدود ۱۷ درصد کل ذخایر گازی نیاست و حتی با گسترش تولید و مصرف آن تا چند صد سال دیگر دوام خواهد داشت. بدیهی است که ذخایر عظیم گاز طبیعی کشورمان، با توجه به اهمیت فزاینده گاز در تامین سوخت جهان، مورد توجه "ویژه" امپریالیست‌ها قرار گیرد.

در سال ۱۲۸۷، به هنگام بهره برداری از نخستین چاه نفت، گاز نیز استخراج شد. ولی از آنجا که امپریالیسم انانلیس و شرکت‌های نفتی رومی غارت پرسودترین ماده انرژی از زمان یعنی نفت بودند، گاز همراه آنرا سوزاندند. طی سالهای ۱۲۴۰-۱۲۸۷ (یعنی به مدت ۶۰ سال) بیش از ۱۲۰ میلیارد متر مکعب گاز کشورمان، که از نظر ارزش حرارتی معادل ۱۲۰ میلیون تن نفت خام بود، در هوا سوزانده شد. دوستان سرپا شکی پهلوی، همراه اربابان خود نه تنها منابع طبیعی کشورمان را غارت کردند، بلکه بخش عظیمی از آن را نابود ساختند. تنها در سال ۱۳۴۴ بود که مذاکرات مربوط به ساختن کارخانه ذوب آهن و صدور گاز به اتحاد شوروی آغاز شد. ضرورت توسعه اقتصادی و امتناع دولتهای امپریالیستی در ایجاد صنایع مادر و کلیدی، و به موازات آن فشار مردم و اذهان عمومی، از جمله عوامل انجام این مذاکرات بودند. به دنبال مذاکرات فوق الذکر، شرکت ملی گاز ایران تاسیس شد. بر مبنای قرارداد و توافق نامه بین اتحاد شوروی و ایران، مقرر شد که در مقابل صدور گاز به اتحاد شوروی، علاوه بر پرداخت بهای

توافق شده گاز به ایران، کارخانه ذوب آهن، کارخانه ماشین سازی اراک و خط لوله سراسری گاز نیز احداث کردند. در واقع احداث این سه طرح بنیادی، نقش قابل ملاحظه‌ای در صنعت و توسعه اقتصادی کشورمان داشته است.

خط لوله سراسری گاز از جنوب کشور آغاز شده و تا آستارا امتداد می‌یابد. عملیات احداث این خط لوله در ۱۳۴۷ شروع شد و دو سال بعد به مرحله بهره برداری رسید. این خط لوله از مراکز مهم اقتصادی میهنمان (استان فارس، اصفهان، قزوین و شمال) عبور نموده و به آستارا ختم می‌گردد. عبور این خط لوله از مراکز مهم اقتصادی سبب سهولت استفاده از این منبع انرژی در داخل کشور گشته است. طراحی و ساختمان این خط لوله گاز به نحوی است که توسعه شبکه گاز رسانی کشور را بسیار آسان می‌سازد، بطوری که هم اکنون بعد از ۱۶ سال، کماتان مرکز ثقل شبکه گاز رسانی کشور بوده و طبیعتاً در آینده نیز چنین خواهد بود.

بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند بهمین، و به هنگام محاصره اقتصادی اعمال شده از سوی دول امپریالیستی، اتحاد شوروی، پیشنهاد کرد قیمت گاز وارداتی افزایش یابد. اما جمهوری اسلامی بجای بررسی و توجه به این پیشنهاد به طوریک چانه‌بازی و برخلاف منافع مردم ایران صدور گاز به اتحاد شوروی را قلع و مصلح و این ثروت عظیم دگر باره سوزانده شد. در گزارش اقتصادی و ترازنامه سال ۱۳۶۰ بانک مرکزی جمهوری اسلامی، در خصوص گاز تصریح شده بود "که طی سال ۱۳۶۰، قطع صدور گاز طبیعی به اتحاد شوروی... همچنان ادامه یافت... و در نتیجه قسمتی از گاز تولید شده در داخل کشور مصرف و بقیه آن به علت عدم وجود امکانات توزیع داخلی، اجباراً سوزانده شد." به راستی چه کسانی "این اجبار" را تحمیل کردند؟ مضاف بر آنچه ذکر شد، شایان توجه است که در سال ۱۹۷۰ (۱۳۴۹) هیچ دولت سرمایه‌داری حاضر نمی‌شد حتی در مقابل دریافت گاز فوق العاده ارزان، برای بهره برداری از این

منبع انرژی، در کشور ما سرمایه‌گذاری نماید. این حقیقت، تمام تبلیغات و سم پاشی‌های مرتجعین و عمال امپریالیسم جهانی را بی اثر کرده و نیات پلیدشان را از دامن زدن به چنین تبلیغاتی برملا می‌کند.

دوره برای صدور گاز ایران

چنانکه در فوق اشاره رفت، کشور ما صاحب منابع سرشار گاز طبیعی است. این منابع می‌تواند تامین کننده سوخت داخل کشور باشد و هم از طریق صدور منطقی آن، در خدمت صنعت و توسعه اقتصادی کشور قرار گیرد. اروپا، بازار عمده مصرف گاز است برای صدور گاز کشورمان به اروپا و راه وجود دارد.

۱- صدور گاز از طریق اتحاد

شوروی:
صدور گاز از طریق اتحاد شوروی از چندین مزیت و امتیاز مسلم برخوردار است. اول اینکه اتحاد شوروی خود عمده‌ترین صادر کننده گاز به اروپاست از اینرو با اتکا به پشتوانه سوسیالیسم و اعتبار اتحاد شوروی، صدور گاز از طریق این کشور می‌تواند از آن ویژگی و قدرتی بهره‌مند گردد که دول امپریالیستی قادر به اعمال قدرت و نفوذ در آن نبوده و در حقیقت نسبت به تشیقات امپریالیسم و انحصارات گوناگون در زمینه کاهش قیمت گاز، مصون و در امان بماند. بدیهی است که این امر دقیقاً با مصالح ملی کشورمان در تطابق کامل بوده و منافع ملی ما را در مقابل دول امپریالیستی در این خصوص، تضمین می‌نماید.
دوم اینکه: اتحاد شوروی بمتابه صادر کننده عمده گاز در جهان، از امکانات وسیع و همچنین تکنولوژی لازم برای انتقال و توزیع گاز برخوردار است. این امکانات هزینه صدور گاز کشورمان را به حد اقل ممکنه تقلیل می‌دهد.
سوم اینکه: هم اکنون مقدمات صدور گاز از طریق اتحاد شوروی فراهم بوده و خط لوله گاز بین جنوب کشورمان تا دل خاک اتحاد شوروی

موجود است، از اینرو صدور گاز به اروپا از طریق اتحاد شوروی می‌تواند کمترین هزینه را در بر داشته باشد.

۲- صدور گاز از طریق ترکیه

صدور گاز از طریق ترکیه، کاملاً به زیان مصالح ملی است و در عمل در خدمت اهداف امپریالیستها نسبت به "تامین گاز ارزان و سهل الوصول" خواهد بود.

اولاً با صدور گاز از طریق ترکیه، قیمت و صدور گاز ما، تابع سیاستها و فشارهای دولت مرتجع ترکیه و همچنین دول امپریالیستی قرار می‌گیرد. این دقیقاً بدین معناست که خواست امپریالیسم را مبنی بر کنترل انحصاری قیمت گاز، تامین نماید.

ثانیاً بعلت نبود خط لوله گاز به ترکیه و همچنین فقدان تکنولوژی لازم برای صدور گاز، منجر به دعوت از انحصارات امپریالیستی و کارشناسان خارجی خواهد شد؛ و این نیز به کام دولتهای امپریالیستی بر حلاوت و سخت شیرین است.

ثالثاً بعلت عدم وجود خطوط لوله در حال حاضر، صدور گاز از طریق ترکیه به اروپا، تا چند سال دیگر میسر نیست و بنابراین این بازسالیها، متعادی گاز کشورمان همچنان خواهد سوخت.

صدور گاز از طریق ترکیه، هر دو خواست انحصارات امپریالیستی را تامین می‌نماید، یعنی هم سرمایه اولیه احداث خط لوله و تکنولوژی لازم آن بر دوش کشور صادر کننده گاز یعنی ایران و بخشی از آن بر عهده دولت ترکیه خواهد افتاد و هم اهرمهای سیاسی و اقتصادی کنترل و نوسان قیمت گاز انحصاراً در اختیار دول امپریالیستی قرار خواهد گرفت.

سردمداران جمهوری اسلامی از این دو شیوه صدور گاز، شیوه دوم را برگزیده‌اند. همان "اجباری" که باعث سوزاندن گاز کشورمان می‌شود صدور گاز از طریق ترکیه را نیز موجب می‌گردد. این "اجبار" نمود دیگری از این اصل است که حکومت‌های مرتجع و خائن، در هر عرصه راهی را بر می‌گزینند که با منافع امپریالیستها سخاوتمندی داشته باشد.

از رویدادهای ایران

هفته تهدیدات جنگی

در هفته گذشته حرکت نظامی چشمگیری به وقوع نپیوست. همچون هفته پیش از آن، ستادهای فرماندهی نظامی هر دو رژیم ایران و عراق، هر روز اطلاعاتی صادر کرده و از "تبادل آتش" در نقاط مختلف جبهه‌ها خبر می‌دادند. مهمترین تحرک نظامی جمهوری اسلامی در هفته گذشته انجام دوشیبخون یکی در نزدیکی مندلی و دیگری در ناحیه فکه بود. جمهوری اسلامی مدعی شد که در شیبخون ناحیه مندلی یک گردان ارتش عراق را منهدم ساخته است.

هواپیماهای عراق در روز دوشنبه ۱۰ تیر به یک اردوگاه پناهندگان کرد عراقی در نزدیکی ارومیه و در روز جمعه ۱۴ تیر به منطقه سنجج حمله بردند. جمهوری اسلامی اعلام کرد که در سنجج، چند خانه مسکونی مورد حمله واقع شده‌اند، اما عراق هدف حمله را یک اردوگاه نظامی اعلام نمود.

آنچه که در هفته گذشته برجستگی ویژه‌ای داشت شدت گرفتن تهدیدات جنگی بود. عراق تأکید کرد که وقفه در جنگ شهرها موقتی است و جمهوری اسلامی نیز با انتشار بیانیه‌ای از قول ستاد تبلیغات جنگ برای دست زدن به حملات هوایی و موشکی، ابراز آمادگی نمود.

خامنه‌ای این تهدیدات را در نماز جمعه هفته گذشته بصورت موقد تکرار کرد. وی گفت ما در مقابل حملات عراق، شهرهای این کشور را بمباران و با خاک یکسان خواهیم کرد. وی همچنین گفت این بار حملات موشکی به بغداد و دیگر شهرهای مهم عراق، بسیار شدیدتر از گذشته خواهد بود.

خمینی خطاب به روحانیون:

انتقاد نکنید!

روز شنبه هفته گذشته خمینی با گروهی از اعضای جامعه مدرسین حوزه علمیه قم دیدار داشت. وی در سخنرانی خود در برابر جامعه مدرسین به دو مساله انزوای سیاسی رژیم در سطح جهانی و اختلافات درونی حکومت پرداخت و از روحانیون خواست که از انتقاد کردن بپرهیزند و دعوا نکنند. وی گفت: "اگر اختلاف داشته باشیم، شکست می‌بینیم. اختلاف جامعه مدرسان با دولت و دولت با مجلس، سبب شکست می‌شود".

رفسنجانی:

ما از ژاپن جز خوبی ندیده ایم

روز دوشنبه هفته گذشته، هاشمی رفسنجانی از پکن راهی توکیو شد و تا روز جمعه که به تهران بازگشت، در ژاپن اقامت داشت. وی در ژاپن با نخست وزیر، وزیر خارجه و مدیران صنایع ژاپن دیدارهای مهمی به عمل آورد و به حضور هیرومیتو امپراتور ژاپن نیز "شرفیاب" شد. به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی هیرومیتو، از رفسنجانی خواسته است از جانب وی به روح الله خمینی سلام

برساند.

رفسنجانی در ژاپن از کارخانه نیسان و مجتمع صنعتی میتسوبیشی دیدن کرد. وی با مدیران صنایع ژاپنی نیز ملاقاتهایی به عمل آورد و در ضیافت شام ناکازونه، نخست وزیر ژاپن، خطاب به آنان گفت: "ایران ژاپن را به عنوان شریک آینده خود در سازندگی انتخاب کرده، زیرا از ژاپن جز خوبی ندیده است."

رفسنجانی در دیدار با انجمن دوستی پارلمانی ایران و ژاپن نیز، ضمن دعوت از آنان برای دیدار از تهران، این سخنان را تکرار کرد و گفت: "ما در این سفر با عمق معنوی روایت ایران و ژاپن آشنا شدیم. وقتی آثار زیربنایی همکاری ایران و ژاپن آشکار شود، راه برای توسعه این روابط، بازم بیشتر باز خواهد شد."

به دنبال دیدار رفسنجانی با ناکازونه، اعلام شد که دو دولت ایران و ژاپن توافق کرده‌اند که هر ساله وزرای خارجه‌شان بایکدیگر ملاقات کنند تا بتوانند امکانات بیشتری را برای سرمایه‌گذاریهای ژاپن در ایران بیابند.

رفسنجانی در روز شنبه ۱۵ تیر، به دنبال بازگشت از سفر نه روزه خود به چین و ژاپن، به جماران رفت و خمینی را در جریان نتایج مسافرت خود به این دو کشور گذاشت.

سرمایه گذاری جدید

انحصار ژاپنی نیسان در ایران

در روز شنبه ۸ تیر، در آستانه سفر رفسنجانی به توکیو در تهران اعلام شد که کارخانه نیسان، دومین کارخانه سازنده اتوموبیل در ژاپن، به زودی مونتاژ جیب، کامیون و برخی محصولات مکانیکی دیگر را در ایران آغاز خواهد کرد. تولید سالانه جیب ۲۰ هزار و تولید سالیانه کامیون ۶۰ هزار واحد خواهد بود. برای مونتاژ کامیونهای ژاپنی کارخانه زامیاد گسترش خواهد یافت.

در روز شنبه ۱۱ تیر، رفسنجانی از کارخانه نیسان در ژاپن بازدید نمود.

اظهارات موسوی

در مورد توقیف روزنامه آزادگان

هنوز علت اصلی توقیف روزنامه آزادگان اعلام نشده است. روزنامه کیهان در شماره ۴ تیرماه خود ضمن اظهار بی‌اطلاعی از علت توقیف آزادگان، بهانه ظاهری توقیف آزادگان را رد می‌کند و می‌نویسد روزنامه‌های کیهان و اطلاعات نیز فاقد پروانه انتشار هستند.

روزنامه‌های اطلاعات و جمهوری اسلامی نیز از علت اصلی تعطیل روزنامه آزادگان اظهار بی‌اطلاعی کرده‌اند. مضحک این جاست که روزنامه جمهوری اسلامی ۵ تیر از زاویه ضرورت آزادی مطبوعات به این مساله برخورد کرد.

میر حسین موسوی، نخست وزیر جمهوری اسلامی از توقیف روزنامه آزادگان، اظهار تاسف کرده است. وی در مصاحبه خود در این مورد اعتراف کرد که باندبازیه‌ها و دست‌کشی‌های درونی حکومت باعث تعطیل این روزنامه گشته است.

اجلاس شورای

برنامه ریزی "آر-سی-دی" در تهران

در روز سه‌شنبه هفته گذشته شورای برنامه ریزی "آر-سی-دی" که اینک سازمان همکاری اقتصادی (ای-سی-او) خوانده می‌شود، در تهران تشکیل جلسه داد. برای اجلاس شورای برنامه ریزی "آر-سی-دی" یک هیات از ترکیه به سرپرستی رئیس سازمان برنامه ریزی این کشور و یک هیات از پاکستان به سرپرستی معاون وزیر برنامه و اقتصاد پاکستان، به تهران آمده بودند.

سرپرستان این دو هیات در روز سه‌شنبه با موسوی نخست وزیر، دیدار کردند. موسوی در این دیدار، بر گسترش روابط جمهوری اسلامی با ترکیه و پاکستان تأکید کرد و گفت مادر آینده باید همکاریهای گسترده‌ای داشته باشیم.

شورای برنامه ریزی "آر-سی-دی" بنا بر اساسنامه جدید این سازمان سالی یکبار تشکیل جلسه می‌دهد. محل دائمی جلسه این رکن اصلی پیمان "آر-سی-دی"، تهران است.

هنوز تاریخ دقیق انتخابات

ریاست جمهوری روشن نیست

ناطق نوری، وزیر کشور در یک مصاحبه مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی در روز ۵ شنبه ۱۲ تیر اعلام کرد که انتخابات رئیس جمهوری در اواخر تیرماه انجام خواهد شد. به این ترتیب هنوز علی‌رغم این که نیمه اول تیرماه به پایان رسیده است روز دقیق انتخابات مشخص نیست. در ضمن هنوز اعلام نشده است که چه کسانی خود را کاندید کرده‌اند.

ناطق نوری در مصاحبه مذکور پیشاپیش تعداد ادعایی رای دهندگان را اعلام کرد. وی گفت برای انتخابات رئیس جمهوری کلاً ۲۲ میلیون تعرفه انتخاباتی چاپ شده است.

سرپرستی هیات مرکزی نظارت بر انتخابات رئیس جمهوری با امامی کاشانی عضو و سخنگوی شورای نگهبان است. ترکیب این هیات در روز سه‌شنبه هفته گذشته از سوی شورای نگهبان اعلام شد.

کاهش میزان ارز مسافرتی

در روز دوشنبه هفته گذشته اعلام شد که به مسافری خارج از کشور به جای ۵۰۰ دلار، ۳۰۰ دلار ارز تعاقب می‌گیرد.

مدیر کل بانک مرکزی هدف از کاهش میزان ارز مسافرتی را تقلیل دادن تعداد مسافری خارج از کشور (که در سال بنا بر رقم رسمی بالغ بر ۵۰۰ هزار نفر میشوند) و صرفه‌جویی در مصرف ارز در شرایط تنگنای شدید ارزی رژیم، اعلام کرد.

تصمیم به کاهش میزان ارز مسافرتی قیمت ارز را در بازار آزاد به شدت بالا می‌برد. از آنجایی که اکنون بانک مرکزی را ساکار فروش ارز به صورت آزاد را انجام می‌دهد، این تصمیم در آمد قابل توجهی را برای رژیم از قبل بالا رفتن قیمت ارز آزاد، به دنبال خواهد داشت. بقیه در صفحه ۱۰.



گسترش اعتراضات کارگران در خط لوله شهری

در واحد تاسیسات خطوط لوله شهری اعتراض کارگران به سیستم پرداخت دستمزد هراس شدیدی در میان مسئولین برانگیخت. شدت اعتراض بگونه‌ای بود که سرپرست انجمن اسلامی برای کزیز از خشم کارگران، واحد را وقتاً ترک گفت.

مقامات شرکت نفت از بروز اعتصاب در خط لوله و همچنین در پالایشگاه تهران بیمناک هستند. در طول ماههای اردیبهشت و خرداد در خطوط لوله، کارگران به اشکال گوناگون مبارزه را در جهت کسب مطالبات خود دنبال کرده‌اند. از جمله مطالبات آنها درخواست "سکه بهار آزادی" است که تا بود به عنوان عیدی به کارگران داده شود.

اعتصاب در دانشگاه آزادگان

در نیمه دوم اردیبهشت ماه دانشجویان پرستاری دانشگاه آزادگان دست به اعتصاب زدند. این اعتصاب مورد حمایت دانشجویان رشته پرستاری دیگر موسسات عالی آموزشی قرار گرفت. از جمله دانشجویان، دانشکده پرستاری دانشگاه طالقانی، دانشکده پرستاری، سیه، دانشکده پرستاری آزاد و پرستاری دانشگاه تهران با اعتصاب کنندگان اعلام همبستگی نمودند.

علت اعتصاب، دوماهه‌ای کردن تحصیل پرستاری توسط ستاد انقلاب فرهنگی بود. طبق طرح این ستاد، دانشجویان پرستاری پس از طی یک مرحله تحصیل، مدرک فوق دیپلم دریافت می‌کنند و برای اخذ مدرک لیسانس باید پس از شرکت و قبولی در کنکور، مرحله دوم را نیز طی نمایند. همه استادان نیز به همراه دانشجویان با این طرح مخالفتند.

"جرم" و کیفردر جمهوری اسلامی

در ماه رمضان در شهر ارومیه، سربازی را به جرم روزه خواری، دستگیر کردند. این سرباز که برای گذراندن ایام مرخصی به شهر آمده بود، در حال سبک‌کشی دستگیر شد. به دستور حاکم شرع این سرباز را به میدان اصلی شهر برده و به شلاق بستند.

سرباز محکوم پس از تحمل ۶۰ ضربه شلاق، از هوش رفت. او را به بیمارستان منتقل کردند ولی کوش پزشکی بی‌فایده بود و او در اثر شدت ضربات وارده جان سپرد. این جنایت رژیم، یکی از صدها نمونه اقداماتی از این قبیل است که در طی این ماه در شهرهای مختلف کشور صورت گرفت. در گذشت این سرباز انزجار عمیقی را در ارومیه برانگیخت. در سالی شهر ارومیه گفته می‌شود که پس از آن بدستور مسئولین مجازات شلاق را برای اینگونه جرائم حذف کردند و بجای آن محکوم شدگان باید در گورستان شهر به قبر کنی سپرد شوند.

حرکت اعتراضی زندانیان سیاسی قزل حصار

در زندان قزل حصار در ماه رمضان ساعت ملاقات زندانیان را با خانواده‌هایشان تغییر دادند. بنا بر مقررات تازه، خانواده‌ها را مجبور کردند که در ساعت چهار صبح در محل زندان حاضر شوند. علاوه بر این به زندانیان سیاسی زن اخطار کردند در صورتی می‌توانند با والدین خود ملاقات نمایند که خود را با چادر مشکی بپوشانند.

در اعتراض به این اجحافات، زندانیان سیاسی زن واحد ۳، بند ۷، در روز پنجشنبه نهم خرداد ماه از آمدن به اطاق ملاقات خودداری کردند. در این حرکت اعتراضی گروه کثیری از زنان زندانی شرکت داشتند. آنها می‌گفتند حاضر نیستند چادر مشکی به سر کنند. اعتراض کنندگان علاوه بر این، برخی از دیگر مطالبات خود را نیز مطرح می‌کردند.

این حرکت دلیرانه زنان زندانی بازداشتگاه قزل حصار در حالی صورت می‌گیرد که در زندانهای رژیم جمهوری اسلامی، حرکت جمعی زندانیان سیاسی، شدیدترین مجازات‌ها را در پی دارد.

افزایش مهاجرت از کشور

مطابق آمار و ارقام موجود، خروج از کشور، شتاب بازم بیشتری گرفته است.

در سال‌های ۶۰، ۵۹، ۶۰ و ۶۱ تعداد کسانی که به طور قانونی از مرزها خارج شدند در حدود سی هزار نفر در سال از تعداد کسانی که وارد کشور شدند، بیشتر بود. یعنی هر سال قریب به ۲۰ هزار نفر از خارج شدگان از کشور از بازگشت اجتناب کرده‌اند.

این رقم در سال ۶۲ به ۵۹ هزار نفر و در سال ۶۳ به ۶۲ هزار نفر رسید. در سال جاری خروج از کشور گسترش بیسابقه‌ای یافت. تنها در طول اردیبهشت ماه، رقم فوق به ۱۲ هزار نفر بالغ گردید.

جذب متخصص!

دکتر جراح باشی یک دامپزشک است. او در رژیم پیشین مشاور فرهنگی دبیر حزب رستاخیز در استان خوزستان بود. با پیروزی انقلاب او به خارج از کشور گریخت. ولی پس از چندی به یمن خیانت‌های سرکردگان رژیم به کشور بازگشت، البته نه خردسارانه بلکه به دعوت رسمی دولت جمهوری اسلامی و در راستای جذب متخصصین به "میهن اسلامی"... بکارگیری این متخصص در سنت پیشین در شهر اهواز ممکن نبود، زیرا که این عنصر خود فروخته در این شهر کاملاً رسوا بود. لذا در همان تهران از تخصص بهره گرفتند و این بار ایشان مشاور فرهنگی دبیرکل حزب جمهوری اسلامی حجت الاسلام والمسلمین آقای خامنه‌ای گردیدند.

دکتر جراح باشی که از وفاداران ثابت قدم "ذات ملوکانه" است و با محافل و عناصر سلطنت طلب در ارتباط است، به شکل واسطه‌رئیس جمهوری اسلامی و دستجات شاه‌پرست عمل می‌کند. او به این منظور هر ماه چندین بار به عنوان مأموریت‌های دولتی راهی کشورهای امپریالیستی می‌شود.

از میان نامه‌ها

صحنه‌ای از جنگ

"... دیشب سومین شب بمباران تهران بود. شب بسیار ناگواری بود. حدوداً ساعت ۱۱/۳۰ و ۲/۳۰ نیمه شب بود که هواپیماهای عراقی حمله کردند. طبق معمول، اول خاموشی کامل برق بعد رگبار ضد هوایی و بعد از چند لحظه‌ای صدای انفجارهای شدید. شدت انفجارها بقدری بود که تا شعاع چند کیلومتری محل بمباران، در و پنجره‌ها به لرزش در آمدند. دیشب پرنده شوم مرگ چرخ‌زنی زد و بیضه‌های مرگبارش را بر سر مردم مجیدیه جنوبی، ۱۴ متری لشکر فرو ریخت. سه خانه بکلی ویران شد. صبح ساعت ۹ که به آنجا رفتم، دورا دور محل را طناب کشیده بودند و مأموران پلیس و کمیته مانع نزدیک شدن مردم به محل وقوع انفجار می‌شدند. اما از همان فاصله هم می‌شد چیزهایی دید. آپارتمانی سه طبقه به تلی از خاک تبدیل شده بود. بخشی از یک کارگاه کوچک ویران شده و تمام شیشه‌های آن فرو ریخته و برخی از تیرهای آهنی آن در هم پیچیده شده بود. بر اثر انفجار تا شعاع دوپست - سیصد متری، بسیاری از شیشه‌های منازل اطراف شکسته شده بودند. جمعیتی حدود دوسه هزار نفر در اطراف کوچه‌های منتهی به محل حادثه جمع شده بودند. حالت مردم عصبی، پر غیض و بعضاً مات و مبهوت بود. در یک جاعده‌ای از مردم بخصوص نوجوانان دانش آموز که همکلاسیهای خود را از دست داده بودند هجوم می‌آوردند که از طناب‌های مانع بگذرند و وقتی کمیته‌ای ها آنها را با خشونت به عقب هل می‌دادند، مردم هومی کشیدند. در میان جمعیت حاضر در محل، بر سر مسئله جنگ بحث داغی در گرفته بود. یکی پرسید اینها از جان مردم چه می‌خواهند در جواب او، مردی که لباس کار به تن کرده بود و بچه‌ای در بغل داشت، گفت: کدام مردم، برای اینها که مردم ارزشی ندارند. پیرمرد ۵۰-۶۰ ساله‌ای، کمیته‌چی‌ها را نشان داد و گفت: اینها را باش! با این کارهایشان تازه از مردم طلبکارم هستند. من به جوان حدوداً سی ساله‌ای که ناظر بر صحنه بود، گفتم: اینها این طور که پیدا است جنگ را تمام نمی‌کنند! گفت: ما باید تمام بکنیم. یک موتور گفت: ما چکار می‌توانیم بکنیم، و او جواب داد: همان کاری که پاشاه کردیم.

صحنه بسیار رفت باری بود. یک بچه مدرسه‌ای که گویا دانش آموز "راهنمایی" بود از کمیته‌ای‌ها خواست که بگذارند او برود سر محل تخریب شده. دانش آموز می‌گفت: می‌خواهم دوست همکلاسی‌ام را که زیر خاکهاست، پیدا کنم.

از این گونه صحنه‌ها بسیار می‌بینیم. دیدن این گونه برخوردها و صحنه‌های دلخراش برای هیچ کس عجیب نیست!"

فیلم سینمایی، بطور منظم نشر می‌یابد. سرویس‌های جاسوسی امپریالیستی مامورین خود را به لباس روزنامه‌نگار بنظر غیرقانونی به افغانستان می‌فرستند.

اینک دیگر واشنگتن هیچ نیازی نمی‌بیند که شرکت مستقیم خود در مداخله مسلحانه علیه کشور ما را پنهان سازد. رئیس کاخ سفید علنا بارهبران

می‌کشند، کانالهای آب و خطوط مخابرات را از بین می‌برند، می‌کشند راه‌ها را ببندند و مدارس، بیمارستانها و مساجد را به آتش می‌کشند. ضرر مستقیم ناشی از جنایات آنها به بیش از ۲۵ میلیارد افغانی بالغ می‌گردد.

ما می‌دانیم که در جبهه دشمن انسانهایی هستند که بر اثر فریب خوردن، اشتباه و یا ضعف به این جبهه پیوسته‌اند. ششیر انتقام انقلاب، بر سر کسانی که به گناه خودپی برند، به خود آیند و پشیمانی نشان دهند، فرود نمی‌آید. ح. د. خ. ا. و دولت انقلابی کشور، بدنبال شرایط مناسبی برای آشتی ملی و تفاهم هستند. هدف ما این است: صلح میان مردم کشور، سپس کار متحد و یکپارچه برای شکوفایی و سعادت میهن ما.

تلاشهای ما برای پایان دادن به جنگ اعلان نشده علیه افغانستان و ایجاد تضمین‌های لازم برای آنکه دوباره آغاز نشود، در خدمت همین هدف است. پیشنهادهای قبلی دولت ج. د. ا. در باره حل مسائل مورد اختلاف و حل نشده با کشورهای همسایه ایران و پاکستان، به قوت خود باقی است. با قاطعیت می‌توان گفت تا آنجا که به افغانستان مربوط است هیچ مسئله‌ای وجود ندارد که نتوان آنرا بطور عادلانه و دموکراتیک حل کرد. چنانچه حل مثبت مسئله‌ای، امروز حاصل نگردد، ما به اتفاق دوستانمان صبورانه و پیکر خواهیم کوشید که فرداراه حلی یافته شود.

اما تا کنون علیرغم همه تلاشها، نتیجه مشخصی به دست نیامده است. بر عکس، فعالیت خرابکارانه علیه ج. د. ا. از خاک پاکستان گسترش می‌یابد. آمریکا با دست و دل باز به پاکستان برای مجوز کردن ارتش آن اقدامات تجاوزگرانه رام می‌دهد. پیوسته محموله‌های جدیدی از مدرنترین سلاحها وارد پاکستان میشود. دائما آشکارتر می‌تدرسد که واشنگتن این کشور را یک پایگاه نظامی در منطقه و مقر ضد انقلاب افغانی می‌داند.

افغانستان دموکراتیک در مقابله با یورش سختی که در آن دشمن از بکارگیری هیچ شیوه‌ای ابا ندارد، تنها نیست. دوستان وفادار افغانستان، و قبل از همه اتحاد شوروی، دست کمک برادرانه را به سوی آن دراز کرده‌اند.

وثیقه پیروزی بر ضد انقلاب

فشرده مقاله ای از:

محمود بریالی، عضو دفتر سیاسی حزب دموکراتیک خلق افغانستان

"مسائل صلح و سوسیالیسم" شماره ۶ سال ۱۹۸۵

ضد انقلاب افغانی ملاقات می‌کند و از دادن وعده حمایت سیاسی، معنوی و مادی به آنها، دریغ نمی‌ورزد.

اشرار، مراکز آموزش و پایگاههای پشتیبانی متعددی، به ویژه در پاکستان، ایران و چین، در اختیار دارند. در خارج، دهها گروه ضد افغانی تشکیل شده‌اند. که عملا هیچ چیز جز مثنی ماجراجو و نوطه‌گر نیستند. برخی از آنها، مانند برهان الدین ربانی، رئیس جمعیت اسلامی افغانستان که از بزرگترین سازمانهای ضد انقلابی است، می‌خواهند در کشور "جمهوری اسلامی" درست کنند. برخی دیگر، شعارهایی نظیر "جنگ با کفار" و "مرگ بر کمونیستها" می‌دهند. برخی دیگر هم خواب بازگشت به سلطنت را می‌بینند. بین این گروههای گوناگون، اختلافات شدیدی وجود دارد که در موارد زیادی تا حد استفاده از سلاح هم بالا می‌گیرد. تنها چیزی که آنها را با هم متحد می‌کند، به غیر از تلاش برای دوشیدن هر چه بیشتر حامیان خارجی‌شان، نفرت از انقلاب ثور و از تحولات عمیقی است که این انقلاب در زندگی خلق ما پدید آورده است.

به این تفاله‌ها در برخی پایتخت‌های خارجی، به ویژه در واشنگتن، لقب "مبارزان آزادی" و "میهن پرستان افغانی" داده‌اند. یک مقام عالیرتبه دولت آمریکای حتی کار را به جایی رساند که این اشرار را ادامه دهندگان راه انقلاب قرن ۱۸ آمریکا نامید. این در حالی است که افراد مورد نظر وی، علیه مردم خود می‌جنگند و دشمنان به خون قربانیان بیگناه آلوده است. اشرار، در جاهای آب سم می‌ریزند، دامها را

گسترش جنگ اعلان شده و حمایت فزاینده نظامی و مالی از ضد انقلابیون، علیه ج. د. ا. یک "جنگ روانی" با ابعاد بیسابقه به راه انداخته است. واشنگتن برای فریب افکار عمومی، به ویژه در آمریکا و کشورهای اروپای غربی، در رابطه با اوضاع واقعی در کشور ما، و متزلزل کردن ایمان خلق افغانستان به

وثیقه پیروزی بر ضد انقلاب

فشرده مقاله ای از:

محمود بریالی، عضو دفتر سیاسی حزب دموکراتیک خلق افغانستان

"مسائل صلح و سوسیالیسم" شماره ۶ سال ۱۹۸۵

انقلابش، به یک کارزار گسترده تبلیغاتی دست زده است. محتوای اصلی این "جنگ روانی" را دروغ و افترا درباره دستاوردهای افغانستان انقلابی، درباره دگرگونیهای بنیادی ای که در کشور ما تحقق پذیرفته، و نیز تحریف ماهیت واقعی مناسبات برادرانه میان اتحاد شوروی و ج. د. ا. تشکیل می‌دهد. میکوشند تا انقلاب ثور را به عنوان "تهدیدی برای اسلام" و "کمک انترناسیونالیستی اتحاد شوروی به جمهوری ما را" اشغال نظامی" وانمود سازند.

میلیونها دلار صرف این توطئه می‌گردد. ایستگاه‌های رادیویی دشمن در هفته حدود ۳۰۰ ساعت برنامه به زبانهای خلقهای کشور ما پخش می‌کنند. "صدای آمریکا"، بی‌بی‌سی، رادیو پاکستان (از پیشاور، اسلام‌آباد، و کراچی) و نیز رادیوهای ایران، چین، اسرائیل، مصر، عربستان سعودی و کویت برای افغانستان برنامه دارند. بنا به گزارشهایی، آمریکایی‌ها در صددند در پاکستان شعبه‌هایی از فرستنده‌های "آزادی" و "اروپای آزاد"، که تخصص آنها تحریکات ایدئولوژیک است، افتتاح کنند و از این طریق

کارزار افترا علیه کشور ما و سایر کشورهای مستقل منطقه را فعال‌تر نمایند. همچنین نوعی دخالت غیر مستقیم در امور داخلی ج. د. ا. نیز از طریق رسانه‌های گروهی کشورهای امپریالیستی و عواملشان در منطقه در جریان است. به کمک سیا، چند مرکز بزرگ برای انتشار نشریات ضد افغانی، اعم از کتب، جزوات و اعلامیه‌ها، ایجاد شده است. دروغ‌های تبلیغاتی، از جمله به شکل

انقلاب ثور ۱۳۵۷ که تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان (ج. د. خ. ا.) تحقق پذیرفت، اهداف روشن و صریحی را برای خود اعلام داشت: تضمین شکوفایی میهن و بهبود واقعی زندگی مردم افغان. با اینکه در سالهایی که گذشت، کارهای بسیاری انجام شد، اما توده‌های مردم هنوز از همه برتریهای نظام جدید به میزان کامل بهره نترفته‌اند. این امر قبل از هر چیز بدان علت است که انقلاب بلافاصله با مقاومت سخت و فزاینده امپریالیسم جهانی و عوامل آن روبرو گردید. این نیروها دست به مداخله گسترده و هماهنگ نظامی در امور داخلی کشور زده و یک جنگ اعلان شده تمام عیار علیه آن به راه انداختند. آنها از خائنین به میهن، از قبیل فئودالها، سران قبایل، بورژوازی کمپرادور، روحانیت مرتجع، افسران سابق و نیز سایر افسار و گروههایی که بر اثر تحولات انقلابی، موقعیت ممتاز سابق خود را از دست داده‌اند، بعنوان ابزار تحقق نقشه‌های کثیف خود استفاده می‌کنند. این عناصر ضد خلقی برای استتار تجاوز خارجی علیه جمهوری و دادن رنگ به اصطلاح "افغانی" به آن، مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرند.

ضد انقلاب داخلی اگر در خارج از جمهوری دموکراتیک افغانستان در کشورهای امپریالیستی، به ویژه در آمریکا و از سوی متحدین مرتجع آن در منطقه ما مورد پشتیبانی قرار نمی‌گرفت، اکنون مدتها بود که درهم شکسته شده بود. به اعتراف مطبوعات آمریکا کمک به ضد انقلابیون افغانی از کانالهای سیا، آنچنان ابعادی به خود گرفته که آن را به بزرگترین عملیات سری ایالات متحده، از جنگ ویتنام بدین سو تبدیل کرده است. حجم کمکهای مالی (آمریکا) برای تجاوز علیه افغانستان دموکراتیک از ۱۹۸۰ تا کنون شش برابر شده و در سال جاری به ۲۸۰ میلیون دلار رسیده است.

دولت آمریکا همچنین سهم بسیار زیادی در پر کردن صندوق "ستون پنجم" ارسالی خود به کشور ما از منابع دیگر ایفا کرده است. عربستان سعودی، چین، آلمان فدرال، بریتانیا، ژاپن و چند کشور دیگر میالغ هنگفتی به این امر اختصاص داده‌اند. برای تأمین باندهای ضد انقلابی، سالانه مجموعاً بیش از یک میلیارد دلار به مصرف می‌رسد. امپریالیسم آمریکا همزمان با

شناخت. اینک ۶۶ سال است که همسایه شمالی ما از ما در امری که برای خلق ما از همه چیز مهمتر است، یعنی در تحکیم استقلال ملی و تمامیت کشور، حمایت می‌کند.

حتی در سیاهترین دوره‌های حکومت ارتجاع بوزول-ملاکی و اسلامی، نتوانستند مناسبات سنتی دوستانه با اتحادشوروی را تیره سازند. همان مردم ساده و فاقد سواد خواندن و نوشتن هم تضاد فاحش میان رفتار تجاوزکارانه، خشونت آمیز و ننگین کشورهای امپریالیستی در قبال افغانستان و موضع توأم با احترام اتحاد شوروی را که به افغانستان همواره بعنوان یک طرف متساوی الحقوق نگریده، درک می‌کردند. علاوه بر این، در افغانستان در همه دوره‌ها میهن پرستان و دمکراتهایی وجود داشته‌اند که در می‌یافتند دوستی با اتحاد شوروی در تلباق با منافع بنیادی خلق افغانستان و در خدمت تحکیم حاکمیت ملی قرار دارد. در محافل حاکم نیز نیروهایی با عقاید ناسیونالیستی وجود داشتند که در عین دشمنی ایدئولوژیک با سوسیالیسم و رد نظام سیاسی کشور شوروی، بی‌برده بودند که باید با اتحاد شوروی مناسبات حسن همجواری داشته و آن را گسترش داد تا از میزان وابستگی به امپریالیسم کاسته شود.

اتحاد شوروی همچنین در محو آثار خسارات وارده از سوی ضد انقلاب مسلح نیز به ما کمک می‌کند. این کشور بطور رایگان مواد غذایی، پوشاک، کفش و سایر مایحتاج اولیه، کود شیمیایی، بذر پنبه و غیره در اختیار افغانستان قرار می‌دهد. برای تامین نیاز شدید کشور به انرژی الکتریکی، خطوط انتقال نیروی عظیمی از اتحاد شوروی در دست ساختمان است.

در ج. ۱۰۰، ۹۹ موسسه صنعتی وجود دارد که با کمک اتحاد شوروی ساخته شده است. این موسسات حدود ۶۰ درصد کل تولید صنعتی کشور را تامین می‌کنند. در عرض سی سال، در این موسسات ۷۵ هزار کارگر متخصص تربیت شده است. این امر برای کشور ما که طبقه کارگر آن از لحاظ عددی ضعیف است و در مراحل کودکی خود قرار دارد، از اهمیت زیادی برخوردار است. به کمک اتحاد شوروی، پایه صنایع مدرن انرژی و فلزات و بهره‌برداری از معادن ریخته شده، یک فرودگاه بین‌المللی ایجاد گردیده و همه جاده‌های مهم اتومبیل‌رو و بسیاری تاسیسات دیگر ساخته شده است. در مراکز آموزشی شوروی،

هزاران مهندس، پزشک، معلم و هنرمند افغانی پرورش یافته‌اند. به کمک اتحاد شوروی، پلی تکنیک کابل، تکنیکوم تعمیرکاران اتومبیل و یک تکنیکوم در مزار شریف ایجاد گردیده است. انستیتوی علوم اجتماعی در جنب کمیته مرکزی ج. ۱۰۰، به مرکز معتبری برای پرورش کادرهای حزبی و دولتی تبدیل شده است.

از همان روزهای نخست انقلاب شور و در سخت‌ترین لحظات تحول آن، ما از کمک رفیقانه و انترناسیونالیستی کشورهای جامعه سوسیالیستی بهره‌مند بوده هستیم. در بیش از هفت سالی که از شور ۱۲۵۷ می‌گذرد، مناسبات ما با سوسیالیسم جهانی مستحکم‌تر و گسترده‌تر شده و محتوای سیاسی غنی‌تری به خود گرفته است. این مناسبات بین‌المللی طراز نوین که بر همبستگی انترناسیونالیستی مبتنی است و اصول اساسی آن در قرارداد های ج. ۱۰۰، با کشورهای سوسیالیستی پایه بلا فصل سیاسی و حقوقی یافته است، نه تنها از آزمون زمان سر بلند بیرون آمده، بلکه بنحوقانه کهنه‌ای نیز پویایی و بالندگی خود را نشان داده است. ما از دوستان خود عمیقاً به خاطر سهم زیادی که در ساختمان افغانستان نوین، تحکیم دستاوردهای انقلاب و آگاه ساختن افکار عمومی جهان از حقیقت آن، اینستا کرده‌اند سپاسگزاریم. این، یک نمونه از انترناسیونالیسم واقعی است. انترناسیونالیسمی که به گفته لنین "نه در حرف، نه در اعلام همبستگی، نه در فعلنامه‌ها، بلکه در عمل" است.

حزب مادر تمام مراحل راه پیش از ۲۰ ساله خود، و به ویژه پس از تبدیل آن به حزب حاکم، برای پیوند و وحدت عنصر ملی و عنصر بین‌المللی اهمیت فوق‌العاده‌ای قائل شده است. در اینجاست که تئوری، متدولوژی و پراتیک روند انقلابی و مبارزه انقلابی بهم گره می‌خورند. توانایی تضمین عملی پیوند کسب ناپذیر و درهم آمیختگی متقابل جنبه ملی و بین‌المللی فعالیت حزب، و یا به تعبیر لنین "جستجو، کشف و تسلط بر عنصر ویژه ملی در برخورد مشخص هر کشور به حل مسئله واحد جهانی"، معیار سنجش پختگی تئوریک،

ایدئولوژیک و سیاسی هر حزب انقلابی، و نشانگر آنست که این حزب تا چه حد بر هنر اجرای استراتژی و تاکتیک سیاسی مسلط است. ج. ۱۰۰، پیوسته به کار فرا گرفتن

این هنر، که بر اندیشه‌های مارکس، انگلس و لنین استوار است، و به بررسی تجارب احزاب برادر و کل جنبش انقلابی جهانی می‌پردازد. در عین حال، تجاربی که حزب مادر طول بیش از بیست سال در رهبری سیاسی جنبش انقلابی خلق و اداره امور کشور کسب کرده، بر فضای تجارب نیروهای انقلابی جهان افزوده است.

رابطه دیالکتیکی عنصر ملی و بین‌المللی در سیاست ج. ۱۰۰، در این امر بازتاب می‌یابد که محتوای و ظایف بین‌المللی و ست و اهداف اعمال همبستگی ما را تا حد زیادی شرایط ملی مشخص افغانستان تعیین می‌کند. ما حفظ، تحکیم و تعمیق دستاوردهای انقلاب شور را سهمی میدانیم که خلق افغانستان به رهبری ج. ۱۰۰، در امر مقدس مبارزه عمومی به خاطر آزادی، ترقی ملی و اجتماعی و امنیت بین‌المللی ادا می‌کند.

ما یکی از مهمترین وظایف میهنی و بین‌المللی خود را افشای شوروی ستیزی و مقابله قاطع با افتراات علیه دوستی افغانستان و شوروی و مقابله با دروغ‌های بی‌شمانه در رابطه با حضور واحدهای محدودی از نیروهای شوروی در خاک افغانستان می‌دانیم. ما پیگیرانه به امر افزایش اثر بخشی تبلیغات و ضد تبلیغات رسانه‌های گروهی پرداخته و اشکال و شیوه‌های مبارزه علیه س‌پاشی ایدئولوژیک نیروهای امپریالیستی و ارتجاعی را تکامل می‌بخشیم. این مسائل، در کنفرانس کشوری حزب، تقریباً همه پلنومهای بعدی کمیته مرکزی و در بسیاری از نشست‌های دفتر سیاسی مورد بررسی قرار گرفته است. مبارزه قاطع علیه تبلیغات دشمن بعنوان یک عرصه از فعالیت کل حزب و وظیفه انترناسیونالیستی همه اعضای ج. ۱۰۰، اعلام شده است.

در عین حال، ما در تربیت انترناسیونالیستی توده‌ها، یا به تعبیر دقیق و تصویر گونه کلورکی دیمیتروف، "دساز کردن" انترناسیونالیسم با شرایط ملی، با برخی دشواریهای جدی عینی مواجه هستیم. ج. ۱۰۰، و دولت انقلابی، با مسائل بزرگ و بسیاری پیچیده متعددی روبرو هستند که حل آن، علاوه بر شرایط دشوار جنگ اعلان شده باید در چارچوب جامعه‌ای صورت پذیرد که ساختارهای اجتماعی-اقتصادی آن خصلت مرحله گذار داشته و بسیاری ناممکنند. از آن جمله

است عناصری از مناسبات ماقبل فئودالی. بعنوان نمونه طبق برخی تخمینها حدود نیم میلیون خانوار، و با یک پنجم جمعیت کشور، در ساختارهای پدشاهی، که بر مناسبات قومی و قبیله‌ای استوار است، زندگی می‌کنند.

برای بسیاری از کشورهای خاور صد سال گذشته دوره تحولات برق‌آسای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بوده است. سرمایه‌داری، که استثمارگران آن را به این کشورها بردند، شیوه زندگی کهنه مردم را اگر چه با اثرات جدی منفی - از بین برد. افغانستان چنین راهی را پشت سر نگذاشته است. سن و رسوم افغانها، به ویژه در روستا، تغییر اساسی نکرده است. شیوه زندگی تاکنون بر مقررات اسلام و به ویژه در خانواده و امور روزمره - بر قوانین عرف استوار بوده است. از جمله رسوم عرف این است که یک افغانی باید از هر کس که به زیر سقف خانه اش پناه برده، به هر بهایی حفاظت کند. متأسفانه دشمنان انقلاب شور نیز از این مهمان‌نوازی بهره می‌برند.

ضد انقلاب داخلی از اشکال کهن و سنتی آگاهی اجتماعی مانند عقاید رسوم دربار، همبستگی خانوادگی و قبیله‌ای و سلسله مراتب اجتماعی و نیز احساسات ناسیونالیستی سود می‌جوید و در این کار، لااقل بطور مقلدی موفق است. ضد انقلاب می‌کوشد فعالانه از عقاید مذهبی مردم و از این واقعیت بهره گیرد که مسئله ملی به ارث رسیده از رژیمهای سابق، هنوز حل نشده است. ارتجاع همچنین به گرایشهای تجزیه طلبانه دامن می‌زند. در کشور ما بیش از ۲۰ خلق و ۵ گروه قومی زندگی می‌کنند، و روند تشکیل ملت هنوز به پایان نرسیده است. ج. ۱۰۰، و دولت انقلابی، مسائل حاد افغانستان را با توجه واقعی به منافع همه زحمتکش حل می‌کنند و دقت ویژه‌ای به خصوصیات ملی هر قوم و هر قبیله، احساسات ملی آن، سنتهای جداگانه و رسوم صدها ساله میدول می‌دارند. اما باید گفت که برخی عقاید، تصورات و معیارهای گرفته در شعور انسانها، موانعی در راه شکل‌گیری اشکال نوین زندگی اجتماعی بوده و علاوه بر این، بسیار سخت جانند. مارکس می‌نویسد: "سنت همه نسلهای مرده چون کاپوسی بر مغزهای زندگان سنگینی می‌کند." حزب ما با اینگونه تصورات، عقاید و سنن به مقابله می‌پردازد، اما در عین حال پیوسته در تلاش است تا سنن را بهیچ‌درصده

گزارش اعتصاب کارگران کارخانه پشمباف تهران

بقیه از صفحه ۱

کارگران نمی‌دادند. نمایندگان کارگران در همان جلسه در وزارتخانه، خواستار شدند که کارفرما طبق تعهد باید در محل کارخانه حاضر شود و به تعهدات عمل کند. این خواسته با مخالفت طرف مقابل روبرو گردید. این جلسه هم بی نتیجه پایان گرفت.

در بیرون وزارتخانه نمایندگان کارگران، نمایندگان کارفرما را به اجبار سوار ماشین می‌کنند تا به کارخانه بیایند. امتناع آنها کشاکشی را در خیابان بر می‌انگیزد. رهگذران و کسبه محل که دور آنان گرد آمده بودند پس از اینکه با توضیحات افشاگرانه نمایندگان کارگران روبرو می‌شوند به پشتیبانی از خواسته‌های کارگران بر می‌خیزند.

نمایندگان کارفرما که خود از سهامداران این کارخانه هستند، در چنین وضعیتی به کارخانه انتقال داده می‌شوند. کارگران آنان را در محل کارخانه در اطاق کار کارفرما بازداشت کردند. کارگران آزادی آنها را به پرداخت مطالبات خود منوط ساختند.

بدنیال این واقعه گروه عظیمی از واحدهای سرکوب رژیم خینی برای مقابله با ۱۵۰ کارگر این کارخانه به محل آمدند. پاسداران کمیته، نفرات شهبانی وعده زیادی موتور سوار و اتومبیل سوار مسلح، با لباس شخصی گرداگرد کارخانه حلقه زدند. آنها که از واکنش کارگران در هراس بودند، در ابتدا از ورود به کارخانه پرهیز می‌کردند. اما کمی بعد پس از اینکه پیش بینی‌های اولیه را انجام دادند و تفنگ‌های آماده شلیک را در دست می‌فردند به کارخانه ریختند.

خونسردی و شهادت کارگران تحسین برانگیز بود. آنان بی‌هراس از این قشون کثی استوار بر جای ماندند. شرماندهان گروه‌های چندگانه مهاجمین به گفتگو با نمایندگان کارگران پرداختند. این گفتگو در شرایطی پیش می‌رفت که لوله تفنگ تفنگ‌چی‌های خینی به سوی سینه کارگران نشانه رفته بود و فرماندهان بابتی سیم با مراکز اصلی سرکوب لحنه به لحنه تبادل نظر می‌کردند.

کارگران در چنین شرایطی دهشتناکی نیز دست از افشاکری برداشتند. پس از تشریح کارکرد

با روز اول ماه مه بود. این بار کارگران در شرایطی متفاوت با سالهای پیشین به استقبال جشن جهانی کارگران رفتند. آنها در حالی که ستم کارفرما را از هر زمان دیگری بیشتر احساس می‌کردند، در حالیکه از هر زمان دیگری همسته تر بودند، روز همبستگی کارگران جهان را جشن گرفتند. در محوطه کارخانه‌ای که با اعتصاب کارگران چرخش از حرکت باز ایستاده بود، آتشی افروختند، همسریکی از کارگران به بختن آتش مشغول شد. کارگران که فاقد حداقل امکانات مالی بودند تنها توانستند پول تهیه این آتش را از میان خود گردآوری کنند. آنها در حالیکه گرد هم جمع شده بودند بر روی چمن‌های محوطه کارخانه به گفتگو بپیرامون این روزپرداختند.

اعتصاب ادامه یافت. کارفرما راه خسته کردن کارگران را دنبال کرد. او فقط گهگاه به کارخانه مراجعه می‌کرد. یکی از دفعاتی که وارد کارخانه گردید کارگران اورانگیز به حضور در جلسه خود کردند. در آن جلسه او را مجبور ساختند کتبا تعهد کند که با پرداخت حقوق معوقه، موجبات راه اندازی کارخانه را فراهم نماید.

کارفرما یک بار دیگر به وعده خود عمل نکرد. این بار بهانه او این بود که این تعهد را کارگران به زور



با تهدید از او گرفته‌اند. تحت همین عنوان از کارگران به وزارت کار شکایت برد. نمایندگان کارگران برای پاسخگویی به این شکایت روانه وزارتخانه شدند. مسئولین وزارتخانه که برای شنیدن شکایات کارفرما گوش شنوایی داشتند، گوش به توضیحات

کارفرما از مذاکره سرباز زد. کارفرما می‌دانست که کارگران در چه وضعیت دشوار اقتصادی بسر می‌برند. بر این گمان بود که آنها راهی جز تسلیم ندارند و اعتصاب پس از مدت کوتاهی در هم شکسته خواهد شد. به این خاطر سرسختی نشان داد.



محاسبه کارفرما در تشخیص دشواریهای اقتصادی و وضعیت فلاکت بار معیشتی کارگران درست بود اما پندار او در تسلیم پذیری کارگران نادرست بود. او نمی‌توانست شدت نفرت کارگران را محاسبه کند. کارگران نیز طریق سرسختی را پیش کردند. در نخستین گام کارگران از خروج تولیداتی که در کارخانه انبار شده بود جلوگیری کردند. قاطعیت کارگران در پیشبرد این تصمیم کارفرما را متوحش ساخت. او که از مذاکره سرباز زده بود، از طریق نمایندگان مذاکره را از سر گرفت. نمایندگان کارفرما در این مذاکرات دست به فریب کاری زدند و اگر چه نتوانستند کارگران را از ادامه اعتصاب باز دارند، اما نتوانستند به توافقی برای خروج تولیدات از کارخانه دست یابند. کارفرما با این نیرنگ که از محل فروش محصولات، مطالبات کارگران پرداخت خواهد شد، آنان را راضی کرد که راه خروج تولیدات از کارخانه را باز کشایند.

خروج محصولات از انبار کارخانه آغاز شد و به مشتری‌ها تحویل داده شد. اما کارفرما به تعهد خود عمل نکرد. عهدشکنی کارفرما انزجار عیقی در کارگران برانگیخت و کارگران سرسختانه تر اعتصاب را پی گرفتند. این مرحله از اعتصاب همزمان

زد. بدین ترتیب در شب عید کارگران را از دست‌مزد ماهانه و حق پاداش تولید محروم ساخت. تحمل این وضعیت برای کارگران غیر ممکن بود. کارگران رو در روی کارفرما ایستادگی کردند. کارفرما به مذاکره با نمایندگان کارگران نشست. سعی کارفرما در مذاکره این بود کارگران را وادار به اعتراف از دریافت بخت قابل توجهی از دست‌مزد ماهانه. بهانه کارفرما رکود در بازار پتو بود. کارفرما اعلام داشت که در صورت پذیرش این پیشنهاد بقیه حقوق پرداخت خواهد شد. در نتیجه این مذاکرات کارگران می‌پذیرند که مبلغ هزار تومان از بدهی کارفرما به هر کارگر در آینده پرداخت گردد در صورتی که بقیه بدهی کارفرما به کارگران بلافاصله پرداخت شود.

کارگران با این مصالحه انتظار داشتند راهی برای برون رفت از وضعیت فلاکت باری که کارفرما بر ایشان فراهم آورده بود، بدیدار شود. اما کارفرما وقتی که موفق شد کارگران را یک قدم به عقب بنشانند از انجام تعهدات خود مبنی بر پرداخت فوری بخش اصلی حقوق معوقه سرباز زد.

این اقدام کارفرما اعتراضات کارگران را شدیدتر ساخت. این اعتراضات بالاخره در روزهای پایانی فروردین به نتیجه رسید و کارفرما مایل از مطالبات معوقه را پرداخت کرد. اما در شمال نابلوری کارگران، اعلام داشت که مبلغ پرداختی به حساب مساعده نیمه دوم فروردین ماه منظور خواهد شد نه بخشی از دست‌مزد ماه اسفند. کارفرما صاف ویوست کننده در صدد بود حقوق اسفند ماه کارگران را بالا بکشد. چند روز بعد در پایان فروردین، طی یک اقدام بیش‌مانه دیگر، از پرداخت حقوق ماه فروردین نیز خودداری نمود.

اقدام تازه کارفرما جز دزدی آشکار چیز دیگری نبود. ۱۵۰ کارگر کارخانه در دفاع از حقوق خود به طور یکپارچه دست از کار کشیدند. کارگران اگر چه همچنان خواستار مراجعه به وزارت کار بودند اما در یافتند که اینگونه مراجعات و مذاکرات بتنهائی ثمری نخواهد داشت. در پی اعلام اعتصاب به وزارت کار مراجعه کردند و اظهار کردند که مسئولیت هرگونه پیامدی بر عهده کارفرماست. برای مذاکره با کارفرما نیز اعلام آمادگی نمودند اما

وثیقه پیروزی بر ضد انقلاب

بقیه از صفحه ۷

که با منافع ترقی اجتماعی در اندیافتند، حفظ کرده و بدان محتوای جدیدی ببخشند.

وبالاخره مهمترین نکته: انترناسیونالیسم قبل از هر چیز از مبنای طبقاتی برخوردار است و بازتابی از اشتراک منافع بنیادی بخشهای ملی طبقه کارگر همه کشورها به شمار می رود. در افغانستان این طبقه هنوز رشد زیادی نکرده و از لحاظ عددی بسیار ضعیف است. ناپختگی سیاسی و تقسیم به کارگاههای کوچک، مانعی در شکل گیری آگاهی طبقاتی کارگران است. علاوه بر این کارگران افغانستان اکثرا کارگران نسل اول هستند، هنوز کاملا از زندگی دهقانی جدا نشده و با روابط پدر شاهی، مذهبی و قبیلله ای پیوند دارند. در اذهان آنها عقاید خرده بورژوازی با اندیشه های، ماقبل سرمایه داری

آمیخته است. همزیستی چندین صورتبندی اجتماعی- اقتصادی، نیز، که ویژگی اکثر کشورها، رشد یابنده بوده و روند شکل گیری طبقات را کند می کند، بر پیچیدگی اوضاع می افزاید.

انقلاب ثور نقش بزرگی در افزایش آگاهی سیاسی طبقه کارگر افغانستان و تغییر موقعیت آن در جامعه ایفا کرده است. دگرگونیهای عمیق اجتماعی، اقتصادی و سیاسی به رشد عددی، طبقه کارگر و پی بردن آن به منافع طبقاتی و نقش خود در انقلاب ملی- دمکراتیک کمک کرده است. اما فعالیت چنایتکارانه و ضد خلقی اشرار ضد انقلابی انجام این دگرگونیها را دشوار می سازد.

به کرسی نشاندن اندیشه های انترناسیونالیستی و تبدیل آن به عقاید مستحکم تنها در یک روند

کارفرما در ضبط و غصب حقوق کارگران خطاب به فرمانده های اکیپ های حمله اظهار داشتند "شاهم اگر سرمایه حقوقتان را نتغیرید، ریشتان را می زیند از سپاه بیرون می آید."

مهاجیرین از کارگران خواستار آزادی بی قید و شرط نمایندگان زندانی شده کارفرما بودند. اما کارگران با اینکه در شرایطی بکلی نابرابر قرار گرفته بودند، مقاومت می کردند. بالاخره کارگران موفق می شوند یکبار دیگر از کارفرما تعهدی مبنی بر پرداخت فوری مطالبات معوقه بگیرند. اگر چه دیگر به انجام تعهد کارفرما امید نداشتند، اما ناگزیر بودند اشغال کارخانه توسط ارگان های سرکوب را در محاسبات خود منظور نمایند. پس از این تعهد تازه کارفرما، زندانیان آزاد شدند.

دیگر کارفرما در یافته بود که امید او برای خسته کردن کارگران بیهوده بوده است. دریافت که راه گریز از خواسته کارگران تنگ تر شده است. پایداری دلیرانه کارگران در س های تازه ای به او آموخته بود. او راه عقب نشینی را در پیش گرفت. این بار مدفن آن شد که با حداقل عقب نشینی، حداکثر امتیازات را بگیرد. در یک نوبت به هر کارگر سه هزار تومان پرداخت کرد. اما اعتصاب شکسته نشد. وعده های او برای پرداخت مابقی در اسرع وقت نیز کارساز نبود. بار دوم در ۲۸ اردیبهشت سه هزار تومان دیگر هم پرداخت کرد. اما کارگران همه مطالبات خود را خواستار شدند. از

سرگیری تولید را مشروط به انجام کامل این خواسته کردند. کارفرما که به هیچ رو سر آن نداشت که همه مطالبات کارگران را پرداخت کند، به حيله تازه ای متوسل شد. او اعلام داشت که ورشکسته شده است و دیگر توان مالی برای راه اندازی مجدد کارخانه را ندارد. شرکت تازه کارفرما از طریق وزارت کار به اطلاع کارگران رسانده شد و همراه با آن پیشنهاد تازه ای از سوی کارفرما ارائه گردید. کارفرما اعلام داشت سودآوری و راه اندازی کارخانه در صورتی متحقق می شود که از سهم کارگران بابت میزان پورسانت متراژ پتوکاسته شود این مبلغ در حقیقت بخشی از دستمزد کارگران بود. کارفرما با این پیشنهاد قصد داشت راه اندازی تولید را به کاستن از دستمزد کارگران مشروط نماید. او وعده داد در اینصورت بقیه مطالبات... نیز پرداخت می شود.

این شگرد نیز کارساز نشد. اعتصاب در دهه اول خرداد نیز ادامه پیدا کرد. کارگران گام به گام کارفرما را وادار به عقب نشینی بیشتری کردند. بخشی از مطالبات خود را به دست آوردند. به قدرت خویش واقف شدند. پیوند میان کارفرما و دولت را هر چه بیشتر در یافتند. ثمرات پایداری و اتحاد را تجربه کردند. در یافتند که برای دستیابی به مطالباتشان راهی جز اتحاد و مبارزه نیست. راهی این راه شده اند.

پیچیده و طولانی که مستلزم تلاشهای پیگیر ایدئولوژیک و پرورشی است، امکان پذیر است. ج. د. خ. ۱۰. از آغاز تاسیس خود، تمام نیروی خویش را وقف انجام این وظیفه کرده است.

بدیهی است که حزب توجه ویژه ای به تربیت انترناسیونالیستی اعضای خود مبدول می دارد. این امر عمدتا در چارچوب مطالعه سیاست حزب، در پیوند تنگاتنگ با تربیت ایدئولوژیک و تئوریک اعضا و کاندیداهای انترناسیونالیسم، بدون تئوری انقلابی، بدون تعمیم علمی پدیده های حیات بین المللی غیر قابل تصور است. تئوری علمی به گفته لنین "از مجموعه تئوراب انقلابی و اندیشه های انقلابی همه کشورها، جهان" فرامی رود و شکستن چارچوب شرایط ویژه ملی و ارزیابی صحیح ابعاد بین المللی روند انقلابی را امکان پذیر می سازد. در کار آموزش حزبی، که با توجه به سطح دانش اعضا، بطور جداگانه انجام می گیرد مطالعه تئوراب به دست آمده در دگرگونیهای انقلاب سایر کشورها، جای، مهمی به خود اختصاص داده است. اندیاق خلقت این تجارب بر شرایط تاریخی- مشخصی که انقلاب ما در آن صورت می پذیرد، برای تامین فعالیت موفقیت آمیز حزب و ادامه تقویت ایدئولوژیک و سیاسی آن اجتناب ناپذیر است.

تر امید داشت شایسته سالگردهای انقلابی در کشور ما به سنت خوبی تبدیل شده است. کنفرانسمای علمی و مراسم جشنی که بدین مناسبت برگزار می شود، ابزار موثری در امر تربیت انترناسیونالیستی است. این کردهایی ها، عرصه ای است برای یادآوری مکرر این حقیقت، که ما تنها در صورت پیروی از آموزش مارکس، انکلس و لنین خواهیم توانست و نایف پیچیده خود را انجام داده و دستاوردهای انقلاب ثور را بازگشت ناپذیر سازیم؛ آموزشی که کل جنبش انقلابی معاصر آن را غنی تر کرده و تکامل می بخشد.

امر تربیت انترناسیونالیستی، در حال حاضر قبل از هر چیز به علت تغییرات کمی و کیفی در ترکیب حزب اهمیت بازم بیشتری می یابد. هدفمیکه حزب ما مسئولیت بزرگ تاریخی اداره کشور را به عهده گرفت، هنگامی که فعالیت آن در ساختمان حزب، دولت، اقتصاد و فرهنگ، گستره بسیار بزرگتری یافت، گذاشتن نیروهای جدید در اختیار آن نیز ضروری گردید. در سالهای پس از

انقلاب، شمار اعضای حزب ۶ برابر شده، و با پذیرش کارگران، دهقانان، جوانان، زنان و وابستگان به ملیت ها و خلقهای گوناگون افغانستان، ج. د. خ. ۱۰. از لحاظ کیفی نیز تقویت گردیده است. امروز تقریبا دوسوم اعضا، حزب کمتر از ۲۰ سال سن دارند.

در سیزدهمین پلنوم کمیته مرکزی ج. د. خ. ۱۰. بزرگ کارمل تاکید کرد که حزب ما یک حزب مبارز است. هم اکنون بیش از ۶۰ درصد اعضا، حزب در ارتش، در نیروهای مسلح مردمی و در ارگانهای امنیتی خدمت می کنند. ج. د. خ. ۱۰. در اس پیکار بنام حاکمیت و تمامیت کشور و برای دفع جنگ اعلان شده علیه ج. د. خ. ۱۰. قرار دارد و از این طریق، وظیفه میبانی و انترناسیونالیستی خویش را انجام میدهد.

حزب، با کمک هندیکاهای سایر سازمانها، اجتماعی توده ای، مانند سازمانها، جوانان و زنان و اتحادیه های نویسندگان و هنرمندان، از اصول همبستگی بین المللی دفاع می کند. حزب دمکراتیک خلق افغانستان فعالیت جبهه ملی پدر ولسن را که در کنار سازمانهای نامبرده، شورا، مشورتی اقتصاد بمشابه نماینده منافع سرمایه خصوصی، شورای عالی فقهاء، اسلامی و هیران مذهبی و اتاق بازرگانی نیز در آن عشویت دارند، رهبری می کند. اینک جبهه مزبور بیش از ۶۰۰ هزار عضو دارد و سازمانهای آن در ۲۸ استان کشور فعالیت می کنند. سازمانهای اجتماعی افغانستان روابط بین المللی فعالی دارند. تنها در سال ۱۹۸۲، حدود ۲۰ هیئت خارجی از ج. د. خ. ۱۰. بازدید کردند. چنین گسترش روابط بین المللی، در تاریخ افغانستان بی سابقه است.

یک عامل بسیار مهم در تعمیق و غنائ روابط بین المللی ما در عین حال ابزار تربیت اعضای حزب با روح انترناسیونالیسم و میهن پرستی واقعی، روابط گسترش یابنده با احزاب است. ج. د. خ. ۱۰. با ۱۰۲ حزب کمونیست و کارگری، حزب انقلابی-دمکراتیک و جنبش سازمان ترقیخواه چنین روابطی دارد. از این میان، حزب با ۵۲ حزب و سازمان تماشای منظم و چند جانبه برقرار کرده است. این، یک نمونه دیگر از پشتیبانی نیرومند بین المللی است که به خلق ما نیرو و استقامت بخشیده و بطور موثر از او در برابر توطئه های ضد انقلابی امپریالیسم و ارتجاع دفاع می کند. ●

بقیه از صفحه اول

آندره گرومیکو، صدر هیات رئیسه شورای عالی اتحاد شوروی



ادوارد شوارد نادزه وزیر امور خارجه جدید شوروی

و هم در اشکال و شیوه های کار حزبی و دولتی و در بنکارگیری کادرها در رهبری و در پایه است. دبیر کل حزب کمونیست اتحاد شوروی در ادامه سخنان خود افزود اتحاد شوروی اینک در مرحله حساسی قرار دارد که ملی آن مشی استراتژیک برای یک دوره زمانی نسبتا طولانی تعیین شده و در برنامه حزب تغییراتی داده خواهد شد. گورباچف گفت " در این شرایط مشخص، پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی با توجه به وتالیف مرحله کنونی لازم دانست که دبیر کل کمیته مرکزی حزب بیشترین نیروی خود را بر روی سازماندهی کار ارکان های مرکزی حزب و یکپارچه کردن تلاشهای سازمانهای حزبی، دولتی و اجتماعی نماید تا مشی در پیش گرفته شده با موفقیت تحقق یابد."

اجلاس شورای عالی اتحاد شوروی تصمیمات دیگری نیز اتخاذ نمود. در انتخاب عضو برای هیئت رئیسه شورای عالی از جمله برگزیده شدگان رفیق میخائیل گورباچف بود. شورای عالی، جانشین آندره گرومیکو را در وزارت خارجه دولت شوروی نیز تعیین کرد. برای این ست ادوارد شوارد نادزه برگزیده شد. ادوارد شوارد نادزه، وزیر خارجه

جدید شوروی در سال ۱۹۲۸ متولد شد. وی از سال ۱۹۷۲ ست دبیر اول کمیته مرکزی حزب کمونیست جمهوری شوروی گرجستان (در قفقاز) را بر عهده داشت. شوارد نادزه از سال ۱۹۷۸ کاندید عضویت

آندره گرومیکو، رئیس تازه کشور شوروی در سال ۱۹۰۹ متولد گردید. وی در سال ۱۹۲۹ کار خود را به عنوان دیپلمات شوروی آغاز کرد. گرومیکو به عنوان کارشناس در کنفرانس های یالنا و پوتسدام که در آن مینای صلح در اروپایی ریزی گردید، شرکت جست. گرومیکو در دوران حساس جنگ سرد، سفیر شوروی در سازمان ملل متحد و در لندن بود. در سال ۱۹۵۷ عهده دار ست وزارت امور خارجه دولت اتحاد شوروی گردید و بیست و هشت سال بلاوقفه در این ست خدمت کرد. گرومیکو در عین حال عهده دار مسئولیت های خطیر حزبی و دولتی دیگری نیز بود که عضویت در دفتر سیاسی حزب کمونیست و معاونت نخست وزیر در دولت شوروی از جمله آنها بود. او اینک در ۷۶ سالگی در صدر هیئت رئیسه شورای عالی کشور شوراها جای گرفته است. نتایج اجلاس اخیر شورای عالی اتحاد شوروی از جهت دیگری نیز حائز اهمیت است و آن اینکه برای عالی ترین ست دولتی در شوروی شخصیتی به غیر از دبیر کل حزب کمونیست برگزیده شده است. از سال ۱۹۷۷ بدین سو همواره در اجلاس های شورای عالی، دبیر کل حزب کمونیست به ست صدر هیئت رئیسه برگزیده می گردید.

میخائیل گورباچف در سخنرانی خود در اجلاس اخیر ضرورت های این روش کار را در مرحله کنونی تشریح نمود. وی اظهار داشت حل مسائل جدیدی که در برابر کشور قرار دارد " مستلزم تغییراتی هم در محتوا

و قانونی با مسئولین اجرایی کشور، صمیمانه اعلام می نمایم.

ما از هیات عالی نثارت می خواهیم که فوراً و بدون تاخیر آئین نامه مجمع را طبق ضوابط قانونی تصویب نمایند تا شورای مرکزی اصناف بتواند وظایف قانونی خود را عمل نماید و قاطعانه اعلام می داریم که در هیات عالی نثارت، تمام حوسات نهادها و وزارتخانه ها که قانوناً بایستی نماینده ما شرکت نمایند، هر گونه اتخاذ تصمیم بدون حضور نماینده شورای مرکزی مورد تأیید مانست.

شورای مرکزی اصناف مؤلف است در مورد قوانینی که در مجلس شورای اسلامی و کمیسیونهای آن با شورای محترم نگهبان در دست بررسی است، همانند لایحه توزیع که با سرنوشته اصناف کشور بستنی دارد، با تهیه پیش نویس، نقد، پیشنهاد بعنوان نظر کارشناسی، در کنار سروران قوه مقننه قرار گرفته و تمام توان خود را یکبار برد که قوانین سرنوشته ساز مربوط به اصناف، دقیقاً با موازین شرعی و قانونی، تنقیح نماید.

ما از برادران گرانقدر نمایندگان مجلس شورای اسلامی بخصوص ریاست محترم مجلس استدعا داریم که در مواقع طرح لوایح اقتصادی مربوط به اصناف با حضور نماینده در کمیسیون های مجلس از نثارات شورای مرکزی اصناف که چکیده پنجاه سال تجربه اصناف کشور است، قویا استفاده گردد."

در این قطعنامه که در هفته نامه اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران درج شده است هم چنین آمده است که در شهرهای اصفهان، شیراز، مشهد و کرمان نیز سران بازار مجمع عمومی اصناف را تشکیل داده اند.

بهمین یزدی صدی، تقریباً از سه ماه پیش بر سرکار خود حاضر نمی شد و بارها از ست خود استعفا داده بود.

دادستان جدید کل کشور

روز یکشنبه ۱۶ تیر خمینی موسوی خوئینی ها را به جای یوسف صانعی، به ست دادستان کل کشور منصوب کرد. یوسف صانعی از این ست استعفا داده است. وی علت استعفا خود را خستگی و تراکم و شدت کار عنوان کرده است.

قطعنامه سران بازار

مجمع امور صنفی تهران که توسط سران بازار رهبری می شود، چهارمین اجلاس خود را با شرکت نمایندگان نود و هشت اتحادیه صنفی در روز ۱۱ اردیبهشت ماه برگزار کرده است. در قطعنامه آن که در این اجلاس به تصویب رسید مشارکت بیشتر سرکرده های بازار در امور قانونگزاری و اجرایی کشور خواسته شده است.

برخی از مواد این قطعنامه چنینند:

ما اصناف و بازاریها، اسلامی از خودمان چیزی نداریم. آنچه داریم از اسلام قلمتی است و به همین دلیل به امر ولی فقیه که توسط معتمدین بازار به ما ابلاغ شده لیبیک می گوئیم و آمادگی خود را برای ایجاد نظام و همکاری، کامل طبق موازین اسلامی

از رویدادهای ایران

بقیه از صفحه ۴

طرح جدید مبارزه بابی حجابی

مقتدایی، سخنگوی شورای عالی قضایی در روز شنبه هفته گذشته اعلام کرد که این شورا طرح تازه ای برای مبارزه بابی حجابی و بد حجابی تهیه کرده و به تصویب رسانده است.

بر اساس این تصویب امام جماعت هر مسئول مبارزه بابی حجابی در حوزه استحضالی آن مسجد است. روحانی مسجد محل ترتیب دستگیری بی حجابان و بد حجابان حوزه ماموریت خود را داده و سپس کتابچه ای در اختیار دستگیر شده های گذارد که با خواندن آنها ارشاد شوند. اگر این شیوه ارشادی میسر نشد، این بار "گفت امر به معروف و نهی از منکر" به دعوت آخوند مسجد وارد کارزار خواهد شد.

انتصاب رئیس جدید دانشگاه تهران

به دنبال جلسه روز چهارشنبه شورای عالی انقلاب فرهنگی، اعلام شد که سرپرست تازه ای برای دانشگاه تهران تعیین شده و به جای بهمن یزدی صدی، رئیس سابق این دانشگاه منصوب شده است. رئیس جدید دانشگاه تهران فرهادی نام دارد.



رویدادهای جهان

گروگانها آزاد شدند تهدیدات ریگان ادامه دارد

روزیکشنبه نهم تیر ماه، ۲۹ شهریور آمریکایی که در بیست و چهارم خرداد بدنبال ربودن یک هواپیمای مسافربری شرکت "تی-دبلیوای" از سوی افراتیون شیعه لبنانی به گروگان گرفته شده بودند، با وساطت دولت سوریه از بیروت به دمشق و از آنجا به آلمان فدرال انتقال یافتند. ناظران سیاسی، وساطت موفقیت آمیز حافظ اسد رئیس جمهوری سوریه برای آزادی گروگانها را گام مهمی در جهت تقویت موقعیت سوریه در لبنان و در کل منطقه خاور نزدیک دانستند.

در جریان گروگان گیری بیروت، دولت آمریکا و شخص ریگان نهایت کوشش خود را به کار بردند تا با دامن زدن به فضای شوونیستی در داخل آمریکا، همه جنبش های ضد امپریالیستی را "تروریستی" معرفی نمایند. همانگونه که در شماره پیش گزارش دادیم، نیروی دریایی آمریکا واحدهایی به نزدیکی سواحل لبنان فرستاد.

در آستانه آزادی شهر وندان آمریکایی، وزارت خارجه آمریکا طی بیانیه ای تلویحا متعهد گردید که این کشور علیه لبنان دست به اقدامات "انتقام جویانه" نخواهد زد. در عین حال، اسرائیل نیز در هفته گذشته یک گروه ۲۰۰ نفره از زندانیان شیعه لبنانی را که بطور غیر قانونی به داخل اسرائیل انتقال داده بود، آزاد کرد. انتشار می رود ۴۰ زندانی دیگری نیز که بازگشت آنها خواست هواپیما ربایان شیعه بود، در آینده نزدیک آزاد شوند.

بلافاصله پس از پایان ماجرای گروگان گیری بیروت، دولت آمریکا تعهد خود در قبال لبنان را زیر پا گذاشته و اعلام نمود که به عنوان نخستین گام علیه این کشور، فرودگاه بیروت را تحریم خواهد کرد. شرکت هواپیمایی لبنان از این پس اجازه پرواز به آمریکا نخواهد داشت. همچنین شرکتهای هوایی آمریکایی باید پروازهای خود را به بیروت قطع کنند. یک سخنکوی وزارت خارجه آمریکا اظهار داشت از هر شرکت هواپیمایی که از "تحریم" آمریکا پیروی نکند، اجازه پرواز به ایالات متحده سلب خواهد شد.

به نوشته "نیویورک تایمز" آمریکانقشه ها بی برای عملیات نظامی علیه لبنان در دست بررسی دارد. این روزنامه بعنوان نمونه امکان بمباران فرودگاه بیروت را ذکر می کند. یک سخنکوی دولت آمریکا، طرحهای این کشور را "ترکیبی از حملات به شبکه های اصلی حمل و نقل و استفاده موثر از قهر" توصیف کرد.

در آمریکا در روزهای اخیر اعراب مقیم و شهر وندان عرب بطور فزاینده تهدید به قتل می شوند. برخی ایستگاههای رادیویی علنا دعوت به کشتار "شیعیان" می کنند.

دولت لبنان علیه اقدامات اخیر آمریکا به دولت این کشور اعتراض کرد. رشید کرامی نخست وزیر لبنان تحریم فرودگاه بیروت از سوی آمریکا را "یک عمل تجاوزکارانه و زورگویانه" خواند.

محکومیت سه شهر وندسوری در اسرائیل

دادگاه عالی اسرائیل در ناصریه سه شهروند سوری اهل بلندیهای جولان را که اسرائیل آن را به طور غیر قانونی به خاک خود "ملحق" ساخته، به علت امتناع از پذیرش تبعیت اسرائیل و مقاومت در برابر اشغالگران صهیونیست، به پنج سال زندان محکوم کرد. لازم به یادآوری است بلندیهای جولان در جنگ ژوئن ۱۹۶۷ اعراب و اسرائیل به تصرف ارتش صهیونیستی درآمد و در سال ۱۹۸۲، اسرائیل "الحاق" این منطقه را به خاک خود اعلام داشت.

کنگره آمریکامقدمات "قانونی" تجاوز به نیکاراگوئه را تصویب کرد

مجلس نمایندگان کنگره آمریکا قانونی به تصویب رساند که در آن شرایط کسب احتمالی نیروهای آمریکایی به نیکاراگوئه ذکر شده است. دانیل اورتنکا رئیس جمهور نیکاراگوئه این اقدام کنگره آمریکا را محکوم کرده و آن را نشانه ای از سیاست تروریسم دولتی واشنگتن دانست. سرجیو رامیرز معاون رئیس جمهور نیکاراگوئه این تصمیم کنگره آمریکا را چارچوبی برای مداخله احتمالی آمریکا خواند. وی خاطرنشان ساخت واشنگتن تا کنون بارها مقصده جوییهایی انجام داده است تا دخالت نظامی در یک کشور خارجی را توجیه نماید. هفته گذشته دهها هزار تن از مردم نیکاراگوئه با شرکت در "مارش به سوی ماسایا" آمادگی خود را برای دفاع از کشورشان اعلام داشتند. این راهپیمایی به یاد مرحله ای از جنگ رهایی بخش علیه دیکتاتوری سوموزا انجام گرفت. در ۲۷ ژوئن ۱۹۷۹، رزمندگان جبهه رهایی بخش ملی ساندینیسیت به اتفاق هزاران تن از اهالی پایتخت، با شکستن حلقه محاصره نگارده ملی سوموزا به سوی شهر ماسایا در ۲۰ کیلومتری جنوب ماناگوا که در آن هنگام آزاد شده بود، عقب نشستند. سه هفته بعد همین مسیر، این بار به سوی ماناگوا، به سوی پیروزی، طی شد.



مطبوعات هند: "پاکستان خطری برای امنیت هند و افغانستان است"

جندی پیش، واحدهای ارتش پاکستان با پشتیبانی هواپیماهای بمب افکن، به واحدهای مرزی هند حمله کرده و کوشیدند منطقه ای را در شمال ایالت "جامو و کشمیر" هند به اشغال خود در آورند. تا کنون در هر سه جنگ پاکستان و هند، این ایالت هندوستان موضوع اختلاف بوده است. برای این اختلافات در کنفرانس ناآشکنده بامیانچگیری اتحاد شوروی و باحضور رهبران وقت هند و پاکستان یعنی شستری و ایوب خان برگزار گردید، مبنایی برای حل و فصل صلح آمیز بی ریخته شد. در سال ۱۹۷۲ رهبران هند و پاکستان موافقت کردند که همه اختلافات مرزی را از راه صلح آمیز و با تفاهم دو جانبه حل نمایند. اما رهبران نظامی پاکستان بانجاوز اخیر خود به هند این توافق را زیر پا گذاشتند.

در سال گذشته و سال جاری تا کنون، چندین درگیری مرزی بین هند و پاکستان صورت گرفته و به کشته شدن عده ای انجامیده است.

تحریکات ضد هندی پاکستان محدود به ایالت جامو و کشمیر که مستقیما در آنجا دخالت می کند، نیست. در ایالت پنجاب، این عوامل غیر مستقیم اسلام آباد هستند که به توطئه های ضد هندی مشغولند. روزنامه "هندوستان تایمز" می نویسد در خاک پاکستان بیش از ۱۰ اردوگاه وجود دارد که در آن، با اطلاع و اجازه رهبری اسلام آباد هزاران افراطی سیک آموزش دیده و سپس به اجرای جنایات ضد بشری در هند می پردازند.

مطبوعات هند در مقالات متعددی ضمن بر-شردن این اقدامات نظامیان پاکستان، می نویسند "هند و افغانستان را خطرات بینسانی تهدید می کند"، خطراتی که از سوی پاکستان است.

نماینده دائمی جمهوری دمکراتیک افغانستان در سازمان ملل متحد اخیرا گفت اقدامات تجاوزکارانه پاکستان علیه افغانستان ادامه دارد. همچنین جنایات ضد انقلابیونی که در بیش از ۱۰۰ اردوگاه در خاک پاکستان آموزش می بینند، به از دست رفتن جان عده بسیاری از شهروندان افغانی انجامیده و خسارات مالی هنگفتی به بار آورده است.

اعتصاب کارگران معادن آفریقای جنوبی

پلیس آفریقای جنوبی روز دوشنبه گذشته با گلوله و گاز اشک آور به صف هزاران نفر کارگر اعتصابی معادن طلائی، "ترانسوال" حمله ور شد. بنابه نخستین گزارشها، یک کارگر سیاه پوست به قتل رسید. اعتصاب ۲۰ هزار معدنچی آفریقای جنوبی با هدف افزایش دستمزد و بهبود شرایط کار انجام می گیرد. شرکت دارنده این معادن، به این ۲۰ هزار کارگر اظهار کرد که در صورت ادامه اعتصاب اخراج خواهند شد. یک سخنکوی کارگران، اعلام کرد اعتصاب گسترش خواهد یافت.

عضو هیأت سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست سوریه در گفتگو با "اکثريت": "نفاق افکنی در رأس توپنه‌های امپریالیسم و ارتجاع در منطقه قرار دارد"

حزب کمونیست سوریه، یکی از بر سابقه‌ترین احزاب کارگر، جهان عرب و یکی از ارکان جنبش رهایی‌بخش ملی کشورهای عربی است. کمونیستهای سوریه در پیکار به‌خاطر کسب استقلال ملی و مبارزه با عوامل رنکارنگ استعمار و استعمارنو، همواره پیشگام نیروهای ملی و مترقی این کشور بوده و هم‌اکنون نیز در صف مقدم پیکار علیه امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع عرب قرار دارند.

حزب کمونیست سوریه، در عین پیشبرد سیاست اتحاد با حزب بعث و دیگر نیروهای، شرکت‌کننده در این مبارزه، پیکیرانه از منافع و خواستهای طبقه‌کارگر و زحمتکشان سوریه دفاع می‌کند.

چندی پیش رفیق رامیسی خورفج عضو هیأت سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست سوریه گفتگوی کوتاهی با "اکثريت" داشت که در زیر از نظر خوانندگان می‌گذرد. این گفتگو پیش از درگیریهای اخیر در لبنان صورت گرفته، و لیکن دیده می‌شود که در آن نسبت به خطر نفاق افکنی‌های امپریالیسم هشدار

داده شده است.

رفیق رامیسی ابتدا به تشریح تحولات منطقه خاورمیانه پرداخت و در مورد تلاشهای امپریالیسم و صهیونیسم برای چرخاندن اوضاع به ضرر نیروهای مترقی چنین توضیح داد: به موازات اعتلای مبارزات مردم کشورهای خاور میانه در برابر دسایس امپریالیسم و ارتجاع، به تلاشهای امپریالیسم، صهیونیسم و نیروهای ارتجاعی عرب نیز افزوده می‌گردد. امپریالیستها و ایادی آنها تلاش می‌ورزند تا به هر طریق ممکن روابط بین کشورهای عربی را به تیرگی کشانده و به کانونهای تشنج در منطقه دامن زنند. هدف کشورهای امپریالیستی و به ویژه ایالات متحده این است که با انعقاد قراردادهای دو جانبه بین اسرائیل و کشورهای عربی به امر وحدت اعراب و موقعیت نیروهای مترقی در میان آنها لطمه وارد نمایند.

رفیق رامیسی در ادامه این بحث بر روی این نکته تاکید ورزید که در سوریه، ابعاد توپنه‌های امپریالیسم، به ویژه برای شکاف

انداختن بین نیروهای مترقی و در میان صفوف مردم سوریه، روز بروز افزایش می‌یابد. امپریالیسم می‌خواهد به اختلافات بین گروههای فلسطینی و نیز میان سازمان آزادی بخش فلسطین و سایر نیروهای ترقیخواه عرب دامن زند. در این میان، تفرقه افکنی بین سوریه و "ساف" در رأس توپنه‌های، آمریکا و ارتجاع عرب در منطقه قرار دارد. در مقابل این مشی نفاق افکنانه، حزب ما می‌کوشد به روند تحکیم روابط دوستانه بین سوریه و "ساف" یاری رساند. بدیهی است این امر برای همه نیروهای مترقی عرب، یک مساله اساسی محسوب می‌گردد.

رفیق رامیسی در این گفتگو در مورد رژیم جمهوری اسلامی چنین اظهار نظر کرد: متأسفانه در ایران اکنون وضع به صورتی در آمده که فقط باعث خشنودی آمریکاست. سیاست جمهوری اسلامی مبنی بر کمونیسم ستیزی و شوروی ستیزی، بیشترین رضایت خاطر را برای امپریالیسم فراهم آورده است. امروز جمهوری اسلامی در مقابل روند جنبش‌های آزادیبخش فرار گرفته سیاست

سرکوب و حشیانه انقلابیون کمونیست و نیروهای دموکرات را برکزیده و در این راه از هیچ عمل جنایتکارانه‌ای فروگذار نمی‌کند. رفیق افزود: زمانی که انقلاب بزرگ ایران به وقوع پیوست و جمهوری اسلامی با موضعی ضد امپریالیستی پا در میدان نهاد، ما از این رژیم پشتیبانی کردیم. این رژیم از خود تصویری انقلابی و خواهان وحدت برای مبارزه علیه امپریالیسم ارائه نمود. پشتیبانی ما از این رژیم برای پایه و برای تشکیل یک جبهه قوی در منطقه بود. اما امروز جمهوری اسلامی صدو هشتاد درجه چرخش یافته و از شعارهای آن روز خود فاصله گرفته است. به نظر ما اکنون این رژیم، یک رژیم ارتجاعی

است که به نیروهای امپریالیستی خدمت می‌کند و با تمام سرعت در جهت نزدیکی با آنان می‌کوشد. حزب ما با پیکار عادلانه نیروهای مترقی ایران علیه این رژیم بویژه حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) ابراز همبستگی می‌کند.

از ترانه‌های تبعیدی

از اینجا به سرزمین دوری می‌مانی که پرندگان دریایی در چشمه‌های جوشانش پرمی‌شویند ستارگانش راه دراز شب را می‌پویند و از فراز دماوند پر شکوه به آفتاب سلام می‌گویند چه دوری از من و چه نزدیکی

از اینجا با چشمهای بسته نیز هوید است رویش رخشان آفتاب بر کاکل سپید صنوبرهای آن کرانه بی‌تاب آن کرانه روینده آن کرانه تاجاودان خروشنده

چه دوری از من و چه نزدیکی

ترا دوباره کی خواهم دید؟ ای پهنه غبار آلود ای آفتاب لگد شده در ظلمت ای حسرت همیشگی غربت!

چه می‌کنم اینجا؟ دشنه‌هایی را شماره می‌کنم که بر سینه ات فرود می‌آیند ستاره‌هایی را شماره می‌کنم که در آسمان مضطربت می‌ترکند دانه‌های زنجیرت را شماره می‌کنم و روزهایی را که دورم از تو

بر ایش نوشته ام: درد غربت جانکاه است برابم نوشته است: باکت مباد عمر سفر کوتاه است

م. ر. آهنگر

کمابهای مالی رسیده

- رفقای برمن (آلمان فدرال) ۵۰ دلار
- رفیق ع. ی. ا. ازکیل (آلمان فدرال) ۱۵ مارک
- کمک مالی رفقای و وپرتال (آلمان فدرال) به نشریه "اکثريت" ۱۰۰ مارک
- کمک مالی رفقای بوخوم (آلمان فدرال) به نشریه "اکثريت" ۱۰۵/۲۰ مارک
- رفیقای ازکیل (آلمان فدرال) ۴۰ مارک
- رفیق احسان ازکیل ۵۰ مارک

هزینه چاپ این شماره "اکثريت" را رفقای فدایی در پاریس تأمین کردند

AKSARIYAT
NO.64
MONDAY JULY 8.85
Address: آدرس:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY